



فهرست مطالب

پیام نوروزی حزب کار ایران (توفان).....	۲
حداقل دستمزد سال ۱۴۰۰.....	۳
چه چیز در پشت کارِ زارِ «نه به جمهوری اسلامی» پنهان است؟.....	۵
فرخنده باد ۸ مارس، روز همبستگی بین‌المللی زن.....	۷
تجمع اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی در چند شهر ایران.....	۸
توصیه گرسنگی و قناعت در سیمای حکومتی و برانگیختن خشم مردم.....	۹
در جبهه نبرد طبقاتی.....	۱۰
به مناسبت صدوپنجاهمین سالگرد کمون پاریس، نخستین انقلاب سوسیالیستی و مهم‌ترین آموزه‌های آن.....	۱۸
قطعه‌نامه در همبستگی با مبارزات کارگران ایران.....	۱۹
به مناسبت یک سالگی درگذشت زنده یاد «دکتر فریبرز رئیس‌دانا».....	۰۲
اعتراض خانواده‌های شهدای آبانماه ۱۳۹۸ به «نرگس محمدی» که از زبان آنها سخن می‌گوید.....	۲۱
متن «نامه زندانیان سیاسی زندان رجایی شهر کرج» پیرامون تشدید آزار و اذیت زندانیان سیاسی.....	۲۲
قطعه‌نامه همبستگی با مبارزه خلق فلسطین برای رهایی ملی.....	۲۳
بیانیه مشترک ۹ حزب و سازمان سیاسی در محکومیت عملیات رو به رشد عادی‌سازی روابط با اسرائیل.....	۲۴
چند یادداشت کوتاه سیاسی!.....	۲۴
ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده.....	۲۸
گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ به چند پرسش.....	۲۹
پاسخ به یک پرسش در شبکه تلگرام.....	۳۰

و بی کفایت جمهوری اسلامی را برانگیخته است. ادامه سیاست‌های سرکوبگرانه و تبعیض آمیز و بی توجهی به مردم سیستان و بلوچستان و مناطق مشابه موجب ناآرامی و نارضایتی عمومی گشته است. سلاح سرکوب تنها پاسخ رژیم جمهوری اسلامی به مطالبات و نیازهای اولیه مردم محروم این منطقه و سراسر ایران است.

تصویب حداقل دستمزد در روزهای اخیر در آستانه سال نو، برای سال ۱۴۰۰ با افزایش ۳۹ درصدی و به عبارت دیگر تعیین دستمزد ۲ میلیون ۶۰۰ هزار تومانی، سند بربریت و قانونیت بخشیدن به فقر و گرسنگی و دهن کجی به کارگران و همه تشکلهای مستقل کارگری است که حداقل دستمزد را با توجه به گرانی کمرشکن و تورم کنونی ۱۲ و نیم میلیون تومان اعلام کرده‌اند. ارزش دلاری حداقل دستمزد از سال ۹۰ تا ۱۴۰۰ نصف شده و از ۲۵۰ دلار در سال ۹۰ به ۱۱۰ دلار در سال ۱۴۰۰ رسیده است.

سالی که گذشت سالی علاوه بر ادامه و تشدید تحریم‌های غیرقانونی و ضدانسانی اقتصادی و گرسنگی دادن به مردم ایران، سال جنگ‌افروزی بی‌پایان امپریالیسم آمریکا و تشدید تشنج در منطقه در جهت منافع و اهداف راهبردی این ابر قدرت متجاوز و ناقض حقوق بین‌الملل بوده است. ادامه اقدام تروریستی آمریکا و فرمان بمباران سوریه توسط رئیس جمهور جدید آمریکا، «جو بایدن» که نقض آشکار قوانین بین‌المللی است، موجب اعتراض جنبش جهانی ضدجنگ و ضدتحریم و همه دولت‌ها و احزاب و سازمان‌هایی قرار گرفت که بارها مخالفت خود را با جنگ‌افروزی آمریکا در منطقه و جهان اعلام داشته‌اند. همانطور که بارها تاکید کرده‌ایم، تشدید تحریم‌های ضدبشری و تهدیدات امپریالیست‌ها به طور عینی در خدمت ادامه تسلط استبداد مذهبی حاکم در ایران قرار دارد و رژیم فاسد و سرکوبگر ولایت فقیه را تقویت می‌کند. دفع خطر خارجی و رفع تحریم‌های غیرقانونی به نفع جنبش مطالباتی کارگران و زحمتکشان است، شرایط را برای پیشروی مبارزه طبقاتی فراهم می‌کند. این چهل و دومین نوروژی است که رژیم مستبد و سرمایه‌داری جمهوری اسلامی بر مردم ایران تباه می‌گرداند. امسال نیز در شرایطی به استقبال نوروژی می‌رویم که مردم میهن ما هیچ امید به بهبودی وضعیت خود در چارچوب سیاست‌های نئولیبرالی و باندهای دزد و فاسد حاکم نمی‌بیند و راهی جز تشدید پیکار صنفی - سیاسی متحد علیه رژیم ضد کارگر و ضدبشر حاکم، پیش روی خود نخواهد داشت. راه نجات کارگران و زحمتکشان، معلمان، پرستاران، بازنشستگان و همه توده تحت ستم ایران از این شرایط جهنمی، وحدت و تشکیلات است.

به امید نوروژی سرشار از اتحاد و یگانگی و پیکاری متحد و متشکل علیه تاریک‌اندیشان داخلی و دشمنان رنگارنگ خارجی، برای همه مردم ایران در سال جدید پیروزی و شادی و سربلندی آرزو می‌کنیم. به امید نوروژی عاری از فقر و ظلم و ستم و استثمار و نابرابری، سال نو مبارک، نوروژتان پیروز!

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، به دست مردم ایران!

زنده باد سوسیالیسم، این پرچم نجات بشریت!
دست امپریالیسم آمریکا از ایران و منطقه کوتاه باد!

حزب کار ایران (توفان) اسفند ماه ۱۳۹۹ •



پیام نوروژی حزب کار ایران (توفان)

سال نو مبارک، نوروژتان پیروز!
نرم نرمک می‌رسد اینک بهار

نوروز، همراه با آغازیدن بهار، بار دیگر در فضای بحرانی ایران و ملت‌ب جهان فرا می‌رسد.

نوروز در شرایطی فرا می‌رسد که علاوه بر وخیم‌تر شدن وضعیت معیشتی مردم و ادامه سیاست‌های ویرانگرانه نولبرالی و تشدید سرکوب کارگران و فرودستان جامعه، و از طرفی ادامه گسترش فاجعه مرگ و میر کروناوی و ترس و وحشت و ناامنی در سراسر ایران زندگی را بر کام مردم تلخ کرده است.

بی‌تردید سفره نوروژ امسال مردم میهن ما نیز از برکت وجود رژیم چپاولگر سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، که تار و پودش را فساد و دزدی و اختلاس و رانت‌خواری و چپاول دسترنج زحمتکشان، قانون‌ستیزی، بی‌احترامی به حقوق مردم فرا گرفته است، خالی‌تر از گذشته است و نوروژشان همانند هر روزشان شده است. امروز نیز مانند دهه‌های گذشته از سفره مردم ایران برمی‌دارند و به سفره آقازاده‌ها می‌افزایند. کوه ثروت‌های بادآورده و افسانه‌ای این مافیای از قله کوه دماوند قابل رویت است. این رژیم هیچگاه به مردم ایران در هیچ زمینه‌ای پاسخگو نبوده است، زیرا مردم ایران را خودی نمی‌داند.

مردم ایران در آستانه عید نوروژ امسال نیز یا در غم از دست‌دادن عزیزانشان سوگواری یا در اثر ویرانگری اقتصادی در فلاکت و بی‌خبری و انتظار به‌سرمی‌برند، نه از بهبود شرایط اقتصادی خبری هست و نه از آزادی و ترقی و تعالی نشانی. سالی که گذشت را باید، سال ادامه سیاست‌های اقتصادی ورشکسته، افزایش سرسام آور گرانی کالاهای ضروری و تشدید بحران اقتصادی و ژرفش شکاف طبقاتی و در عین حال ادامه اعتصابات و اعتراضات کارگری نامید.

به گلوله‌بستن «سوختران» زحمتکش در ماه گذشته و کشتن حداقل ده تن از هموطنان بلوچ و مجروح ساختن شماری از معترضان، خشم و نفرت روزافزون مردم نسبت به رژیم جنایتکار

کمتر از ۱۲،۵ میلیون تومان در ماه باشد و مبلغی کم‌تر از این، زندگی کارگران و خانواده‌هایشان را دچار کمبودهای بیش‌تری خواهد کرد. بالارفتن قیمت نان و غلات و گروه لبنیات و دیگر کالاهای خوراکی مورد نیاز می‌تواند موجب سوء تغذیه، گرسنگی خانواده‌های کارگری شود.

مشکل کارگران و زحمتکشان تنها افزایش لگام‌گسیخته قیمت خوراکی‌ها، که یک‌چهارم مبلغ سبد هزینه‌ها را تشکیل می‌دهد، نیست؛ در سال‌های اخیر و به خصوص در شش ماهه اول سال ۱۳۹۹ و بعد از چاپ پول بدون پشتوانه توسط دولت و افزایش سرسام‌آور قیمت دلار و کاهش پول ملی، قیمت مسکن و اجاره بها افزایش وحشتناکی برای بی‌خانه‌ها و مستاجرین یافت. به عنوان نمونه نرخ متوسط اجاره مسکن فقط در سال ۹۹ «حداقل ۳۰ درصد رشد» داشته است و این در شرایطی است که «حداقل ۵۰ درصد کارگران - چه شاغل و چه بازنشسته - فاقد خانه شخصی» هستند، [ایلنا، ۵ اسفند ماه]. در دو سال اخیر بسیاری از خانواده‌های کارگری مجبور به حاشیه‌نشینی شده‌اند. طرح‌های «مسکن اجتماعی» و «مسکن امید»، که قرار بود برای دهک‌های پایین جامعه مسکن مناسبی ارائه دهند در حد حرف باقی مانده و کارگران هم با ۲ میلیون و ۶۱۱ هزار تومان دستمزد ماهیانه‌شان امکان خرید منزلی از طرح «مسکن کارگری» نخواستند داشت. کارگران برای خرید خانه از طریق طرح «مسکن کارگری» باید «مبلغ ۲۰۰ میلیون تومان در عرض دو سال به شرکت سازنده بپردازند. خوب کارگری که یک‌چهارم خط فقر دستمزدش است، چگونه می‌تواند در عرض دو سال ۲۰۰ میلیون به شرکت سازنده بپردازد؟ در ضمن خبرگزاری ایسنا در ۱۰ اسفندماه، از «وام کمک‌و دیعه اجاره به میزان ۱۵، ۳۰، و ۵۰ میلیون تومان» با نرخ بهره «۱۳ درصد»ی را گزارش داد که در واقع یک نوع چپاول به جای کمک است.

هزینه‌های پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و حمل و نقل نیز که قرار بود با حمایت دولت برای زحمتکشان تهیه و به صورت رایگان به تمام شهروندان کشور ارائه شوند، افزایش‌هایی سرسام‌آور داشته‌اند.

هزینه پوشاک

«مهدی رهبری»، نایب رئیس سابق اتحادیه تولیدکنندگان و صادرکنندگان پوشاک، در مصاحبه با سایت «گسترش» می‌گوید: «نرخ مواد اولیه نسبت به دو سال پیش چهار برابر افزایش یافته است؛ همچنین نرخ ماشین‌آلات تولید پوشاک نیز به دلیل نرخ ارز رشد چهار برابری داشته است و به همین دلیل قیمت‌ها بالا رفته و قدرت خرید مردم کاهش یافته و به همین دلیل کاهش فروش بین ۴۰ تا ۶۰ درصد بوده است».

هزینه بهداشت و درمان

«روزنامه فرهیختگان» طی گزارشی می‌نویسد: «آمارها نشان می‌دهند که هزینه‌های بهداشت و درمان خانوارهای شهری و روستایی در سال ۹۹ علاوه بر دست‌وپنجه نرم کردن با کرونا، با افزایش قیمت‌ها در این بخش، که ناشی از تورم و کاهش



حداقل دستمزد سال ۱۴۰۰

تحمیل فقر و فلاکت ناشی از سیاست‌های نئولیبرالیستی و تحریم‌های امپریالیستی و پیامدهای اقتصادی «بحران کرونا» به دوش کارگران!

«شورای اسلامی عالی کار» (بخوان شورای استثمارگران ضد کارگر) متشکل از نمایندگان دولت، نمایندگان کارفرمایان بخش خصوصی و دولتی و نمایندگان تشکیلات زرد خانه کارگر وابسته به رژیم اسلامی، پس از ماه‌ها تهاجم تبلیغاتی نئولیبرالیست‌ها در دولت و مجلس تحت عنوان تعیین دستمزد به صورت «منطقه‌ای»، «صنفي»، و «توافقی»، حداقل دستمزد ماهانه کارگران را برای سال ۱۴۰۰ با افزایش ۳۹ درصدی ۲ میلیون و ۶۵۵ هزار تومان تعیین کرد. مبلغ تعیین شده به اضافه دیگر بخش‌های دستمزد شامل حق مسکن و حق اولاد و حق بُن که مجزا پرداخت می‌شود (تا کارفرمایان بتوانند از پرداخت بخش‌هایی از آن به کارگران مجرد و همچنین کارگران کارگاه‌های کوچک و کارگران موقت و قراردادی طفره روند) به آنها پرداخت می‌شود، باز هم تا یک‌چهارم خط فقر است.

نکته قابل توجه اینجاست که همین «شورای اسلامی عالی کار» هزینه ماهانه سبد معیشت یک خانواده کارگری را معادل ۶ میلیون و ۸۹۵ هزار تومان برآورد کرده بود که دستمزد تعیین شده سال ۱۴۰۰ حتی کم‌تر از نصف این هزینه است؛ و کارشناسان گروه صنایع، معادن و تجارت و بانک و بیمه خط فقر را برای یک خانواده ۴ نفره بین ۹ تا ۱۱ میلیون تومان می‌دانند.

بر اساس گزارش مرکز آمار ایران قیمت کالاهای خوراکی مثل عدس، تخم مرغ، قند، شیر، گوجه فرنگی، مرغ، روغن، چای خارجی، گوشت قرمز و برنج ایرانی در ۱۷ استان بیش از ۵۷ درصد افزایش پیدا کرده است و بخش بزرگی از هزینه‌های خانوارهای کشور شامل سه گروه «انواع گوشت»، «غلات و نان» و «لبنیات و تخم مرغ» بوده است؛ با توجه به محاسبه هزینه زندگی ماهانه یک خانوار شهری و با توجه به تورم سال جاری و پیش‌بینی تورم سال آینده، تشکلهای مستقل کارگری در ایران اعلام کردند که حداقل مزد کارگران در سال ۱۴۰۰ نمی‌تواند

در شهر تهران را در زیر ملاحظه می کنید

تهران	ابتدائی	۲ میلیون	۱۵ میلیون
متوسط اول	۴،۵ میلیون	۱۷ میلیون	
متوسط دوم:	۷ میلیون	۳۵ میلیون	

شهریه دانشگاه غیرانتفاعی شامل شهریه ثابت و متغیر بوده که شهریه ثابت در کل دوره تحصیل شخص تغییر نمی کند اما شهریه متغیر سالیانه حدوداً ۱۰ الی ۲۵ درصد افزایش می یابد.

- حداقل شهریه کاردانی یک ترم سال تحصیلی ۱۳۹۹ - ۱۴۰۰، برابر با ۱۸ میلیون ۱۱۵ هزار و ۶۳۷ (ریال)
- حداکثر شهریه کاردانی یک ترم سال تحصیلی ۱۳۹۹ - ۱۴۰۰، برابر با ۲۰ میلیون ۸۳۲ هزار ۹۸۲ (ریال)
- حداقل شهریه کارشناسی ارشد گروه علوم انسانی: ۲۴ میلیون ۳۱۰ هزار (ریال)
- حداکثر شهریه کارشناسی ارشد گروه علوم انسانی: ۳۵ میلیون ۲۵۹ هزار (ریال)
- حداقل شهریه کارشناسی ارشد سایر گروه های آموزشی: ۲۷ میلیون ۱۷۰ هزار (ریال)
- حداکثر شهریه کارشناسی ارشد سایر گروه های آموزشی ۳۹ میلیون ۱۰۰ هزار (ریال)
- حداقل شهریه دکتری دانشگاه غیرانتفاعی: ۱۰۲ میلیون و ۲۴۵ هزار (ریال)
- حداکثر شهریه دکتری دانشگاه غیرانتفاعی: ۱۶۳ میلیون ۶۴۵ هزار (ریال)

هزینه حمل و نقل

بعد از افزایش قیمت بنزین در آبانماه سال ۱۳۹۸ شاهد افزایش چشمگیر قیمت بلیط هواپیما، قطار، اتوبوس بین شهری، مترو، اتوبوس و تاکسی هستیم.

به گزارش «برنا»؛ «محمد علیخانی»، رئیس کمیسیون عمران، حمل و نقل و ترافیک جلسه امروز شورای شهر (۱۲ اسفند ۹۹) با اشاره به اینکه شهرداری تا ۴۵ درصد پیشنهاد افزایش نرخ کرایه تاکسی و بلیت مترو و اتوبوس را داشته است. اعضای شورای شهر تهران به افزایش ۲۴.۷۵ درصد نرخ بلیت مترو و ۳۵ درصدی نرخ بلیت تاکسی و همچنین متوسط افزایش ۲۵ درصد نرخ بلیت اتوبوس رأی موافق دادند.

در این نگاه گذرا به هزینه ها و مخارج گوناگون و میزان تعیین شده حداقل دستمزد، که هیچگونه تناسب منطقی، عقلانی، وجدانی و اخلاقی با هم ندارند و حتی کافی برای تجدید انرژی و نیرو جهت استمرار استثمار و بهره کشی از نیروی کار هم نیست، به میزان بی شرافتی و دناوت و شقاوت نظم سرمایه داری حاکم و ضد کارگری بودن آن پی می بریم. راه برون رفت از این محمصه، راه آگاهی، وحدت و تشکلات مستقل است و سرانجام این فقط سوسیالیسم است که راه نجات کارگران و عموماً زحمتکشان از بحران و بی عدالتی کنونی است!

اعطای ارزهای ترجیحی (۴۲۰۰) است، روبه رو است. از آنجایی که آمارهای اعلام شده، در مرکز آمار میانگین تعداد نفقات خانوارها را ۴ نفر در نظر می گیرد، از همین تعداد برای برآورد هزینه ها در سال سخت ۹۹ استفاده می کنیم. یک خانواده ۴ نفره سوای از هزینه های مرسوم و معمول بهداشتی و درمانی، که خواهد داشت و درصد آن در سال های اخیر از کل هزینه اش حدود ۱۰ درصد بوده است، در سال جاری نیاز به موارد خاص درمانی و تجهیزاتی برای رعایت دستورالعمل های مقابله با کرونا خواهد داشت. براساس توصیه های بهداشتی هر ماسک معمولی نیازمند تعویض روزانه بوده و یک خانواده ۴ نفر در ماه حداقل نیازمند ۶۰ ماسک (کاهش ۵۰ درصدی ترک خانه) خواهد بود که میانگین قیمت آنها حدود ۷۰ هزار تومان است. پس تنها با فرض ثابت ماندن قیمت ها هزینه ماسک حدود ۸۴۰ هزار تومان در سال برای یک خانوار خواهد بود. استفاده از الکل نیز چندان ارزان نخواهد بود چرا که براساس مشاهدات میدانی و لیست فروش فروشگاه های آنلاین، قیمت یک لیتر الکل ۸۵ درصد حدود ۷۰ هزار تومان خواهد بود. با احتساب آنکه هر خانوار ۴ نفره برای هر دوماه نیازمند یک لیتر الکل باشد، می توان پیش بینی کرد حداقل ۵۰۰ هزار تومان نیز برای سال جاری جهت استفاده از مواد ضد عفونی لازم است. سوای اینها هزینه هایی برای خرید داروهای تقویتی، سرماخوردگی (بیش تر از سالیان پیش) و از همه مهم تر تست های کرونا در زمان ابتلا یا مشکوک بودن نیز ضمیمه هزینه های ماسک و الکل خواهد بود. بنابر این یک خانوار چهار نفره در سال ۹۹ و براساس قیمت های موجود برای رعایت همه توصیه های بهداشتی هزینه ای حدود ۱ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان خواهد داشت. این در حالی است که با احتساب میانگین افزایش هزینه های بهداشتی و درمانی خانوارهای شهری طی سال های ۹۶، ۹۷ و ۹۸ به رقم ۱۹ درصد خواهیم رسید. در نتیجه اگر رشد ۱۹ درصدی را به عنوان رشد مرسوم هزینه های بهداشتی در مواقع تورمی در نظر بگیریم، براساس رقم هزینه های بهداشتی سال گذشته به عدد ۵ میلیون و ۶۳۰ هزار برای سال جاری خواهیم رسید که این رقم با احتساب هزینه های ناشی از کرونا، که حدود ۱ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان در نظر گرفته شد، به ۷ میلیون و ۱۳۰ هزار تومان خواهد رسید و رشد بی سابقه ۵۰ درصدی را به ثبت خواهد رساند.

هزینه تحصیلی

- شهریه مدارس نمونه دولتی دوره ابتدایی: ۲ تا ۶ میلیون تومان
- شهریه مدارس نمونه دولتی دوره اول متوسطه: ۳ تا ۷ میلیون تومان
- شهریه مدارس نمونه دولتی دوره دوم متوسطه: ۴ تا ۹ میلیون تومان
- شهریه مدارس نمونه دولتی پیش دانشگاهی: ۵ تا ۱۲ میلیون تومان
- شهریه مدارس غیرانتفاعی در سال تحصیلی ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۰
- برای نمونه حداقل و حداکثر شهریه مدارس غیر انتفاعی



شاهزاده رضا پهلوی به کمپین #نه_به_جمهوری_اسلامی_پیوست



برای خواباندن این نگرانی در صفوف سلطنت‌طلبان در تاریخ ۲ فروردین ۱۴۰۰ تقریباً ۶ روز بعد از انتشار فایل صوتی رضا پهلوی با ایشان یک مصاحبه اختصاصی انجام می‌دهد که رضا پهلوی در آن حرف‌های جمهوری خواهی خود را پس می‌گیرد و نشان می‌دهد که التزام به رأی مردم در واقع التزام به تعیین نوع حکومتی است. کیهان لندن از او می‌پرسد: «یعنی اگر در فردای ایران فرزندمی برای انتخاب نظام جمهوری و پادشاهی باشد، رأی شما به اولی خواهد بود؟» رضا پهلوی پاسخ می‌دهد: «به حقوقدانان جمهوری خواه و مشروطه خواه اجازه بدهید بهترین گزینه‌های خود را در پیشگاه مجلس مؤسسان، که منتخب آزاد مردم خواهد بود، ارائه دهند. آنگاه من می‌توانم مثل همه ایرانیان رأی خود را بین معلومات، و نه مجهولات، بدهم». اما آنچه که از پیش مشخص و مطرح است، طرح مسأله تعیین نوع و شکل حکومتی «جمهوری» و «سلطنت» است که از قرار ترکیبی از «حقوقدانان جمهوری خواه و مشروطه خواه» به دور هم می‌نشینند و از بین نوع حکومت جمهوری و سلطنتی یکی را برمی‌گزینند و به مجلس موسسان ارایه می‌دهند. رضا پهلوی می‌گوید ما نمی‌دانیم از این نشست حقوق‌دانان چه بیرون خواهد آمد و این بخش «مجهولات» قضیه است و ما نباید خودمان را مشغول این نوع قضایا بکنیم، چون «پافشاری بر شکل نظام، قبل از آنکه بدانیم محتوایش چیست، خواست جمهوری اسلامی است تا مخالفین خود را در یک بحث بی‌پایان فلج کند». آنچه که رضا پهلوی در پس حرف‌های دهان پُرکن و دو پهلو پنهان می‌کند، این است که اتفاقاً مسأله تعیین نوع حکومت جنبه «معلوم» و نه مجهول این داستان است. اما کمی بعد در همین مصاحبه در خصوص اهمیت کمپین «نه به جمهوری اسلامی» در نقض حرف پیشین خود اظهار می‌دارد که «به همین دلیل کمپین «نه به جمهوری اسلامی» نه تنها بسیار اهمیت دارد، بلکه همزمان می‌بایست جامعه سیاسی و مردم ایران درباره محتوای آینده به بحث و گفتگو پردازند،

چه چیز در پشت کارزار «نه به جمهوری اسلامی» پنهان است؟

در آخرین روزهای پایانی سده ۱۴ شمسی شاهد تحرکات بسیاری از سوی سلطنت‌طلبان بودیم؛ از جمله «پیام نوین» رضا پهلوی و پخش یک فایل صوتی به تاریخ ۲۶ اسفند ۱۳۹۹ در شبکه‌های اینترنتی، که حاوی بخشی از صحبت‌های او درباره گزینش برتر نوع حکومت جمهوری بر سلطنت و تمکین ایشان به رأی مردم بود و اخیراً هم راه‌اندازی یک کارزار «نه به جمهوری اسلامی» که این آخری در امتداد همان سیاست «پیام نوین» و ظاهراً التزام به جمهوری خواهی رضا پهلوی است که چیزی جز راه «همه با هم» نیست.

حزب ما در خصوص صحبت‌های رضا پهلوی درباره جمهوری خواهی‌اش به طور جداگانه مقاله‌ای انتشار خواهد داد؛ اما آنچه در اینجا به طور اختصار می‌توانیم بیان کنیم، این است که هیاهویی که سلطنت‌طلبان به راه انداخته‌اند، در واقع می‌خواهند با جلب بخشی از اپوزیسیون مستقل ایران، برای رضا پهلوی کسب اعتبار کنند و بر همین مبنا تعیین نوع حکومت آینده ایران را به رأی مردم بگذارند و این در حالی است که رضا پهلوی اظهار می‌دارد که «نظام جمهوری را به سلطنت موروثی ترجیح» می‌دهد. اما دیری نگذشت که صدای اعتراض سلطنت‌طلبان همه جا بلند شد و هر کس کوشش کرد تا این «جمهوری» خواهی رضا پهلوی را به نوعی توجیه نماید. برخی از آن به عنوان یک «نوآوری» یاد کردند، عده‌ای آن را به فال نیک گرفتند و تعدادی هم گفتند که «ولیعهد ایران [بدینوسیله] همه بهانه‌ها را از مخالفان خود ستانده است». اما عمر جمهوری خواهی رضا پهلوی خیلی کوتاه بود. کیهان لندن

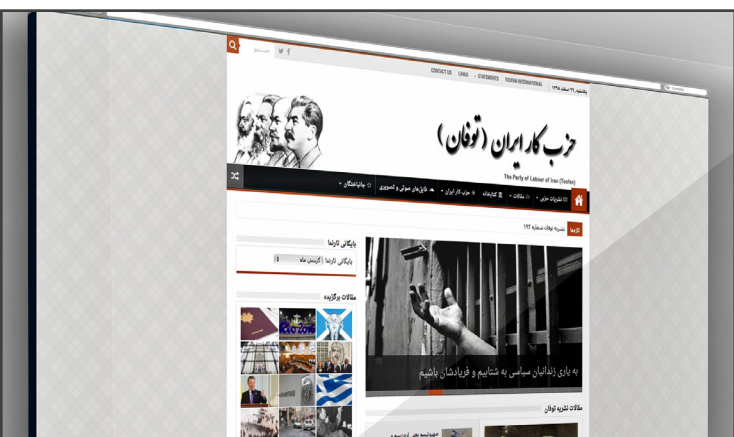
دراز کرده‌اند، بدانند که بازگشت سلطنت در ایران با استقرار دموکراسی مابینت دارد. با بازگشت سلطنت از هر طریقی که به یقین با استیلا امپریالیسم آمریکا همراه خواهد بود، باید دیر یا زود با دموکراسی وداع گفت، چون اگر سلطنت بتواند با دموکراسی سازگار شود، نیروهای ملی و انقلابی ایران با استیلا امپریالیسم سازگار نمی‌شوند و مبارزه برای کسب آزادی و استقلال درمی‌گیرد و امپریالیسم ناچار است در آغاز طبقه کارگر و سازمان‌های صنفی و سیاسی او را همانند امروز، که توسط جمهوری اسلامی صورت گرفته است، درهم کوبد و سپس به سراغ نیروهای ملی دیگر برود. و چنین است که مردم ما بار دیگر با دیکتاتوری خونینی سر و کار خواهد داشت. موضوع روشن است: رضا پهلوی بدون یاری همه جانبه و استوار امپریالیسم آمریکا به مقام سلطنت نخواهد رسید و پس از آنکه مقام خود را از دست امپریالیسم دریافت کرد، حاکمیت جامعه به دست آمریکا خواهد افتاد که در اندیشه منافع و مصالح خویش در رقابت با حریفان خویش است. اما مردم ما و نیروهای انقلابی سلطه امپریالیسم را تحمل نخواهند کرد و برای دستیابی به آزادی و استقلال به مبارزه برخوانند خاست. دموکراسی در شرایط استیلا امپریالیسم آمریکا، اگر هم مستقر شود، دوام نمی‌آورد و دیری نخواهد گذشت که دیکتاتوری جای آن را می‌گیرد. ما بارها تأکید کرده‌ایم و اینبار نیز موکداً تکرار می‌کنیم که بازگشت سلطنت در ایران در نهایت محو دموکراسی را به همراه خود می‌آورد. این تجربه تاریخ معاصر ایران است. سلطنت‌طلبان، که با الگوی سوئد، دانمارک، هلند و انگلستان در پی فریب مردم‌اند، دشمن آزادی و استقلال ایران‌اند و مانند روحانیت حاکم دشمنان سوگندخورده مردم‌اند.

نه به جمهوری اسلامی! نه به حکومت سلطنتی!
نه به وابستگی به امپریالیسم!
آری به جمهوری مردمی، دموکراسی و عدالت اجتماعی!

تا بدانند وقتی به جمهوری اسلامی «نه» می‌گویند قرار است به کدام جایگزین «آری» بگویند. به نظر می‌رسد که رضا پهلوی قصد دارد تا مشروعیت نظام سلطنتی را، که تا قبل از سلطنت پهلوی نه تنها بر اصل «توارث» مبتنی بود، بلکه عامل «جنگ» «رقابت»، «قتل و توطئه» هم در فراز و فرود سلسله‌ها نقش ایفا می‌کردند، امروز آن را بر آرای مردم مبتنی سازد، تا با چنین «نوآوری» هائی بتواند سرانجام تاج شاهی را از درون صندوق رأی بیرون بیاورد و بر سر خود نهد. او بر این باور است که «اگر روزی برسد که نهاد سلطنت همچنان برای ایران لازم باشد، چه اشکالی دارد که مبنای این مساله انتخاب یا پیشنهاد یک فرد شایسته برای این مقام باشد؟ [بنا بر این] حل سازنده اختلافات بدون داد و ستد پارلمانی بین نمایندگان راستین همه مردم ایران ممکن نیست. آنچه ضروریست همکاری حول هدف مشترک رسیدن به آن پارلمان است.» مشارکت رضا پهلوی در کمپین «نه به جمهوری اسلامی» و گذاردن امضای خود در کنار عناصری که گویا جزء منتقدان نظام پادشاهی و حتی شخص او محسوب می‌شوند، از نظر طرفداران ایشان «اتفاقی بی‌سابقه» است که «این رخداد به تنهایی اهمیت این کارزار را دوچندان کرده است» چرا که «دو گانه پادشاهی خواه/ جمهوری خواه در این میانه بخواند نقشی شکاف آفرین بازی کند».

در بیانیه کارزار «طنین فریاد «نه به جمهوری اسلامی» را رساتر کنیم! هیچ سخنی از بدیل آینده نیست. تنها یک «نه» که همه باید حول آن متحد شوند. تفاوت این شعار با شعار «جمهوری اسلامی آری یا نه؟» در چیست؟ تنها وجه مشترک این دو شعار جنبه سلبی آنان است. این شعار به شما می‌گوید چه چیزی را نمی‌خواهیم، ولی آنچه که باید بر جای آن بنشانیم در زمره «مجهولات» است و نباید به محتوای آن پرداخت. مردم ایران هشیارند و برای یافتن راه به سوی آینده از تجارب تاریخی خود می‌آموزند. آموخته‌اند که از دایره بسته مقایسه بین بد و بدتر پای خود را بیرون بگذارند، بدانند که سرنگونی صرف، گام گذاردن در یک راه تاریک و کوری است که انتهای آن روشنائی نیست. آنان خوب می‌دانند که معضلات و مشکلات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور زایده نظام سرمایه‌داری‌اند و بورژوازی منافع طبقاتی خویش را از طریق حاکمیت سیاسی خود در قالب یک نظام اسلامی به شکل جمهوری اعمال می‌کند. اینکه انصار و وارثان سلطنت به عناوین مختلف می‌کوشند تا نوع حکومت، یعنی «جمهوری» را عامل عمده و اساسی و مسبب اختلافات و شکاف طبقاتی، تقابل فقر و ثروت، عدم وجود دموکراسی و سلب آزادی و غیره... نشان دهند و مردم را یک گام به عقب برگردانند و آرای آنها را به نفع نظام سلطنتی جلب کنند، بر هیچکس پوشیده نیست و مردم ایران این را به خوبی تشخیص می‌دهند.

آن دسته از نیروهائی که جمهوری خواهی رضا پهلوی را به فال نیک گرفته‌اند و دست همکاری و مودت به سوی او



از تارنمای آزمایشی حزب کار ایران (توفان) دیدن کنید



فرخنده باد ۸ مارس، روز همبستگی بین‌المللی زن

هشتم مارس، روز بین‌المللی زنان، بار دیگر فرا می‌رسد. این روز تاریخی، روز همبستگی زنان سراسر جهان در پیکار به خاطر رهائی از قیود ارتجاعی و قرون وسطانی، نابرابری‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نیل به تساوی حقوق با مردان است.

زن قرن‌هاست که در اسارت به‌سرمی‌برد. تنزل مقام زن و نابرابری او در جامعه از آسمان نازل نشده است، بلکه هنگامی آغاز شد که نقش او در تولید اجتماعی تخفیف یافت و مالکیت خصوصی پدید آمد. از آن پس او تنها «برده هوسرانی مرد شد و به ابزار تولید فرزند تبدیل گردید». بنابر این اسارت زن معلول جامعه طبقاتی است و آزادی او تنها با محو جامعه طبقاتی امکان‌پذیر است. اما محو جامعه طبقاتی، که از طریق برانداختن مالکیت خصوصی بر وسائل تولید امکان می‌پذیرد، تنها در رسالت تاریخی طبقه کارگر است. طبقه کارگر با انجام این رسالت تاریخی نه تنها آزادی خود، بلکه آزادی تمام جامعه و از آنجمله آزادی کامل زن را نیز تأمین خواهد کرد. از اینرو زنان در مبارزه به خاطر آزادی به طبقه کارگر پیوسته و در این پیکار دوران‌ساز به سالیان متمادی اسارت خود پایان خواهند داد. این تنها راه آزادی زنان است و تمامی «تابوشکنی‌های جنبش فرهنگی» و کلمات دهن پُرکن بورژوازی و فمینیستی و پست‌مدرنیستی درباره رهائی زن تنها برای انحراف مبارزه زنان است و هدفی جز دور ساختن آنها از هدف اصلی و حفظ وضع موجود ندارند.

آزادی زن در یکسانی استثمار با مرد و تنها برای دستمزد برابر نیست؛ آزادی زن تنها در لغو محدودیت‌های شغلی آنها و یا شرکت برابر آنها در انتخابات و یا تنها در کار برابر آنها با مرد و یا آزادی جنسی و آزادی طلاق و برابری حقوقی در ارث و... نیست. مارکسیسم - لنینیسم خواستار آزادی زن در کلیه شئون

اجتماعی است. این تئوری رهائی‌ساز بشریت براساس کشف علل اسارت زن، محتوای مبارزه او برای رهائی از اسارت را طبقاتی می‌داند که مطابق آن آزادی زن و برابری او با مرد تنها در جامعه‌ای آزاد از هرگونه ستم اقتصادی و اجتماعی بدست می‌آید. بنابراین زنان برای رهائی از اسارت استثمار و فرهنگ مردسالاری با کلیه نیروهای انقلابی تحت رهبری طبقه کارگر بسیج می‌شوند تا با برپائی جامعه‌ای سوسیالیستی راه آزادی خویش را ترسیم نمایند.

حزب کار ایران (توفان) به روشنی از حقوق زنان ایران دفاع می‌کند و در مسیر استقرار تساوی حقوق زنان و مردان؛ لغو کلیه قوانین ارتجاعی مذهبی و غیر مذهبی؛ لغو هرگونه تبعیض و محدودیت بر حسب جنسیت، آزادی پوشش، آزادی ازدواج و انتخاب همسر و ازدواج غیر مذهبی؛ لغو کلیه قوانینی که به بهانه ناموس ارتکاب جنایت علیه زنان را توجیه می‌کنند؛ ممنوعیت فحشا بطور کلی و فحشای مذهبی به نام صیغه‌گری و... می‌کوشد و پیگیرانه در جهت تحقق آن، که با برافکندن نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی میسر است، گام برمی‌دارد. شرکت گسترده زنان در انقلاب بهمن و خیزش‌های اخیر نشان داده است که موفقیت انقلاب آتی ایران بستگی به میزان شرکت آگاهانه زنان در آن دارد و بدون شرکت میلیونی زنان انقلاب ایران به پیروزی نخواهد رسید. گرامی‌داشت هشتم مارس یعنی تأیید پیکار زنان کارگر جهان در جهت بهبود وضع اقتصادی خود و برابری در حقوق صنفی و سیاسی با مردان، یعنی تأیید جنبش‌های مترقی زنان جهت کسب برابری کامل با مردان، یعنی تأیید مبارزه برای رهائی فکر و اندیشه زن از حصار، که تفاوت جنسیت به دور او کشیده است، یعنی تأیید آزادی، برابری و محو ستم جنسی و طبقاتی! آنرا گرامی بداریم.

فرخنده باد هشتم مارس، روز همبستگی زنان سراسر جهان!

سرنگون باد رژیم زن‌ستیز سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، به دست مردم ایران!

زننده باد سوسیالیسم، این پرچم رهایی بشریت!

حدود یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان خواهد بود». علل تظاهرات مداوم بازنشستگان و مستمری بگيران در ماه‌های اخیر، این است که حقوقی که دریافت می‌کنند، کفاف ده روز از مخارج ماهانه آنها را هم تامین نمی‌کند و به حق به این وضعیت جهانی معترض‌اند تا محقق شدن مطالبات‌شان دست از اعتراض بر نخواهند داشت. در زیر بیانیه پایانی بازنشستگان را، که در تجمعات اخیر منتشر شده است، ملاحظه فرمائید:

«وضعیت معیشتی بازنشستگان و مستمری بگيران هر روز بیش‌تر از روز قبل رو به وخامت گذاشته، اما دولت همچنان از پرداخت بدهی خود به صندوق بازنشستگان تأمین اجتماعی، که بالغ بر ۳۴۰ هزار میلیارد تومان است، سر باز می‌زند. نمایندگان مجلس نیز علی‌رغم تمامی وعده‌هایی که داده‌اند، نتوانسته‌اند مطالبات ما را تا اجرایی شدن آنها پیگیری نمایند و در بودجه ۱۴۰۰ نیز چشم‌انداز روشنی برای برآورده کردن خواسته‌های ما وجود ندارد.

ما امروز در اینجا جمع شده‌ایم که یکبار دیگر با صدای بلند مطالبات قانونی و مشروع خود را به شرح زیر بیان کرده و خواهان اجرای فوری آنها شویم:

۱. بر اساس ماده ۹۶ قانون تأمین اجتماعی، درصدد افزایش حقوق بازنشستگان باید یکسان بوده و هر یک از این بازنشسته‌ها به تناسب پرداخت حق بیمه از افزایش حقوق برخوردار شوند؛ سازمان تأمین اجتماعی موظف به افزایش و ترمیم عقب‌ماندگی حقوق بازنشستگان تراز با نرخ تورم و افزایش هزینه‌های زندگی و خط فقر است که الان به ده میلیون رسیده است.
۲. ما خواهان اجرای بند (ب) ماده ۱۲ برنامه ششم توسعه اقتصادی هستیم که سازمان تأمین اجتماعی را موظف به متناسب‌سازی حقوق بازنشستگان و مستمری بگيران می‌کند.
۳. ما خواهان رفع تبعیض بین بازنشستگان همکار و غیرهمکار سازمان تأمین اجتماعی هستیم.
۴. ما خواهان پرداخت عیدی برابر با شاغلین به بازنشستگان و مستمری بگيران سازمان تأمین اجتماعی هستیم.
۵. سازمان تأمین اجتماعی طبق ماده ۵۴ قانون تأمین اجتماعی مسئول تأمین درمان کامل بازنشستگان بیمه پرداز اجباری به طور مستقیم است و ما خواهان اجرایی شدن این ماده قانونی هستیم.
۶. سازمان تأمین اجتماعی موظف است مشکل معیشتی و بیمه از کارافتادگان و مستمری بگيران را حل نماید و به وضعیت نابسامان بازنشستگان ۹۹ رسیدگی نماید.
۷. مبنای محاسبات «چهار/سی‌ام» در اجرای همسان‌سازی مشاغل سخت و زیان‌آور در طول سال‌های بازنشستگی و مستمری بگيري به هیچ‌وجه کفایت نمی‌کند و سازمان باید حق و حقوق ما را براساس قانون و مطابق رأی دیوان عدالت مبنای «سی / سی‌ام» پردازد.
۸. ما خواهان اجرای بند ج ماده ۱۱۲ قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و پرداخت حق منطقه جنگی بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی در مناطق جنگی هستیم.»



تجمع اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی در چند شهر ایران

«سفره ما خالیه، وضع شما عالیه»

آخرین وعده دولت به بازنشستگان تأمین اجتماعی مبنی بر پرداخت علی‌الحساب هم عملی نشد. بازنشستگان تأمین اجتماعی صبح پنجشنبه ۲۸ اسفند، در اعتراض به پرداخت نشدن علی‌الحساب همسان‌سازی در چند شهر مقابل سازمان تأمین اجتماعی تجمع کردند. «محمد شریعتمداری»، وزیر کار چهارشنبه اعلام کرد به دلیل توقف عملیات بانکی، زمان برای واریز علی‌الحساب کافی نیست. بازنشستگان امروز پنجشنبه از جمله در تهران، اراک، کرمان، خرم‌آباد و اردبیل مقابل مراکز تأمین اجتماعی تجمع کردند. در تهران بازنشستگان، که مقابل سازمان تأمین اجتماعی گرد آمده بودند، شعار می‌دادند: «فقط کف خیابون به دست می‌آد حقمون، کشتی بازنشسته چرا به گل نشسته، مجلس دولت بس است فریب ملت، تا حق خود نگیریم آروم نمی‌نشینیم، ظلم و ستم کافیه سفره ما خالیه، سفره ما خالیه وضع شما عالیه». بازنشستگان خواستار همسان‌سازی مستمری با بازنشستگان لشگری و کشوری، افزایش مستمری‌ها متناسب با هزینه‌های زندگی، بیمه کارآمد رایگان و نظارت بر صندوق تأمین اجتماعی هستند و در ماه‌های اخیر به‌طور مداوم هم‌زمان در چند شهر تجمع کرده و علیه سازمان تأمین اجتماعی، دولت و مجلس شعار داده‌اند. دولت، که طی سال به وظایف خود در قبال بازنشستگان تأمین اجتماعی عمل نکرده است، اجرای همسان‌سازی و افزایش حقوق بازنشستگان را به سال ۱۴۰۰ موکول کرد و وعده داد یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان به عنوان علی‌الحساب به بازنشستگان پرداخت کند. چهارشنبه ۲۷ اسفند وزیر کار در مصاحبه‌ای گفت: «قرار بود علی‌الحساب مبلغی تحت عنوان اجرای مرحله دوم متناسب‌سازی به حساب بازنشستگان تأمین اجتماعی واریز کنیم، ولی چون فردا عملیات بانکی متوقف می‌شود، زمان کافی برای تحقق این هدف وجود ندارد... به همین دلیل قرار شد در اوایل فروردین‌ماه، که نظام بانکی مجدد فعال شد، این مبلغ به حساب بازنشستگان واریز شود و مبلغ آن همانند عیدی،

دعوت از مهمانانی به ظاهر کارشناس سعی در ارائه راه حل های کم مایه بلکه بی مایه از منظر علمی به مشکلات حاد اجتماعی دارد. اظهارات کارشناس مدعو در برنامه ((زنده باد زندگی)) سیمای حکومتی که ظاهراً با تحلیلی روانشناسی سعی داشت مخاطبین خود را در مقابل گرانی اقلام خوراکی چون میوه و مواد غذایی دیگر توصیه به قناعت نماید، خشم بسیاری را در فضای مجازی برانگیخت. واکنش ها در برابر این اظهارات بسامد متواتری داشت. از توهین و فحاشی گرفته تا انتقاد منطقی. ولی آنچه بیش تر از همه جلب نظر می کند، موج عظیمی از بازخوردهاست که با اشاره به شکاف طبقات اجتماعی در ایران و همینطور گوشزد کردن فساد و رانت خواری، راهکارهای خانم کارشناس را به درستی به باد انتقاد گرفتند .

بله نکته همین جاست. ترغیب افراد به کم خواهی و مقاومت در برابر کمبودها و توصیه به قناعت جایی تاثیر گذار است که عمل آنها با مصرف گرایی افسار گسیخته بخش دیگری از اجتماع به سخره گرفته نشود. نمونه هایی از این شیوه مقاومت را در ایران و بسیاری جوامع دیگر در بزنگاه های تاریخی شاهد بوده ایم .

تاریخ فراموش نمی کند آن زمانی را که معلمان، کارگران و اقشار مختلف ایرانی برای برون رفت دولت «محمد مصدق» از فشار تحریم ها، با درآمد اندک خود اوراق قرضه دولتی می خریدند. به هوش باشیم و آگاه که برای تربیت فرزندان با عزت نفس و نیرومند در مقابل ناملایمات روزگار نصایح مشفقانه به کار نمی آید، بلکه بنیان نهادن جامعه ای عادلانه لازم است. گرانی، دزدی، فساد، فقر و گرسنگی که مولود نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی است، نمی تواند با اندر زهای ریاکارانه «آموزگاران اخلاق»، که فاقد هر گونه اخلاقی اند، و تشویق مردم به قناعت پاسخ گیرد. پاسخ مردم جز افزایش خشم و نفرت و آماده شدن برای برچیدن این بختک فاسد نیست. •



کارشناس صدا و سیما:
**یک هفته میوه نخوریم
اتفاقی نمی افتد**

توصیه گرسنگی و قناعت در سیمای حکومتی و برانگیختن خشم مردم

علوم اجتماعی حیطه ای از دانش است که علی رغم ریشه های عمیق در تاریخ بشر، به مفهوم مدرن دارای قدمتی اندک است. شاید به درستی بتوان گفت نخستین پایه گذار و پیکربند آن کسی نیست جز «کارل مارکس». او توانست علاوه بر توضیح نیروهای موثر در شکل گیری اجتماع و ارائه تحلیلی علمی از این نیروها در فرایند تاریخ تکامل بشری، راه حل تغییر را نیز مدون سازد.

پرداختن به مسائل و مشکلات انسان در هر حیطه علمی از مشاوره خانواده گرفته تا ازدواج، مدیریت اقتصادی خانوار، ترک اعتیاد، تحلیل مجرمین تا روانشناسی و روانکاو و امثالهم همه و همه نیازمند تحلیلی اجتماعی از فرد و خانواده است. چرا که انتزاع فرد از جامعه امری غیر علمی و محال به نظر می رسد. کنش و واکنش فرد و اجتماع در تبیین نظام ارزشی و اخلاقی او مهم ترین نقش را ایفا می کند. دقیقاً از این روست که سال های متمادی تبلیغات دینی و عرفانی نتوانسته کوچک ترین گره ای از مشکلات بغرنج بشر باز کند. این همه متون دینی و ادبی و نصایح عرفانی که دلالت بر ضرورت قناعت و صبروری در مقابل تنگدستی نموده اند و پیروان خود را از اعتراض و انتقاد پرهیز داده اند به هیچ روی توفیقی جدی در جلوگیری از عصیان و سرکشی چه در ابعاد فردی و یا اجتماعی نیافته اند.

غرض از طرح این مقدمه نه ورود به بحث علوم اجتماعی بلکه پرداختن به رویکرد رسانه های حکومتی در ایران است که با

سرتگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی به دست مردم

صدای دادخواهی زندانیان را به گوش جهانیان رساندند. در این بیانیه آمده است: «ما زندانیان امضاکننده این بیانیه، شاهدان مستقیم رنج‌ها و شرایط دهشتناک زندان، توجه همه انسان‌های شریف و آزاداندیش، وجدان‌های بیدار و سازمان‌ها و نهادهای مدافع حقوق بشر در ایران و جهان را به این بی‌دادها جلب می‌کنیم و خواهان شناسایی و محاکمه کسانی هستیم که موجب وضعیت فعلی «بهنام محبوبی» شده‌اند. خواهان تغییر قوانین، مقررات و شرایط ضد انسانی حاکم بر زندان‌ها هستیم و اولین گام را آزادی بی‌قید و شرط زندانیان سیاسی و عقیدتی می‌دانیم.»

فعالین مدنی سندج در اعتراض به صدور حکم ۵ سال حبس برای «زهرا (زارا) محمدی»، مدرس زبان کردی دست به تجمع زدند.

۵ اسفند

حکم جدید پنج سال حبس و ۲ سال محرومیت از فعالیت در فضای مجازی به اتهام واهی «اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت»، برای «لیلا حسین‌زاده» صادر شد. سندیکای کارگران شرکت واحد با انتشار اعلامیه‌ای صدور این حکم را محکوم ساخت. در این اعلامیه آمده است: «سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه صدور حکم زندان برای لیلا حسین‌زاده و زندانی کردن دیگر دانشجویان حامی طبقه کارگر را قویاً محکوم می‌کند. فشار بر کارگران، معلمان و حامیان طبقه کارگر و صدور احکام زندان برای تضمین تداوم استعمار طبقه کارگر است و فوری باید متوقف گردد.»

۹ اسفند

دادگاه تجدید نظر حکم ۱۱ سال زندان «آرش گنجی» را عیناً تایید کرد. حکم دادگاه تجدید نظر «آرش گنجی»، منشی هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران به وکلای او، «ناصر زرافشان» و «راضیه زیدی» ابلاغ شد.

۱۳ اسفند

«کانون نویسندگان ایران» در اعتراض به تأیید حکم یازده سال زندان «آرش گنجی» در دادگاه تجدید نظر بیانیه‌ای منتشر ساخت. در این بیانیه آمده است: «... گفتنی است هم اکنون پنج عضو کانون نویسندگان ایران، رضا خندان مهابادی، بکتاش آبتین، کیوان باژن، گیتی پورفاضل و علیرضا نوری برای پرداختن چنین هزینه‌ای در زندان به سر می‌برند. کانون نویسندگان ایران حکم ظالمانه‌ی یازده سال زندان آرش گنجی را قاطعانه محکوم می‌کند و خواستار آزادی بی‌قید و شرط اعضای زندانی خود و سایر زندانیان عقیدتی و سیاسی است.»

۱۸ اسفند

در ادامه پرونده‌سازی‌های «اسدیگی» و دادستان شوش برای کارگران هفت تپه، پنج نفر «یوسف بهمنی»، «ابراهیم عباسی منجزی»، «حمید ممینی»، «مسعود حیوری» و «حسین حمدانی» از کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه، برای



در جبهه نبرد طبقاتی

اخبار، گزارشات و اعتراضات کارگری اسفند ماه ۹۹

زمستان پایان یافت و بهار جان‌بخش طبیعت فرا رسید! در سالی که گذشت مبارزات کارگران و زحمتکشان بدون وقفه و عقب‌نشینی و با تجربیات پُربار ادامه یافت تا زمستان سخت سرمایه‌داری را با الهام از طبیعت، به بهاری زیبا بدل سازد. هر چند که دوره تاریکی و سرمای سخت زمستان به سرعت گذشت ولی در هر حال این زمستان ساخته و پرداخته طبقات فرادست برای زحمتکشان نیز، رفتنی است و مانند هر پدیده دیگری پایانی دارد که چندان دور نیست. سال نو با پیام‌های شادباش تشکلات مستقل و مبارز آغاز شد و آرزوی پیروزی و شادکامی برای زحمتکشان در این پیام‌ها شیرینی بهار را دو صد چندان کرد. در اسفند ماه تلاش تشکلات مستقل کارگران، معلمان، بازنشستگان، فعالان مدنی، هنری، ادبی و ... برای دستمزدی کافی برای زندگی انسانی و شایسته همراه با رفاهی نسبی در کنار مبارزه برای رهایی عزیزان دربند و برای به‌دست آوردن آزادی بیان، تشکل‌یابی، حق اعتصاب و ... ادامه داشت. اگر چه مبارزات جاری هنوز به تمامی خواسته‌های خود نرسیده است و تا پایان راه زمان و مسافت زیادی باقی مانده است، ولی شرایط به واسطه مبارزات کارگران و زحمتکشان و طرفداران‌شان آرام آرام بهتر از قبل می‌شود و هر روز روشنایی آفتاب پیروزی، بیش‌تر از قبل می‌شود. در اسفند ماه مبارزات ادامه یافت که در ادامه نگاهی بر بخشی از وقایع مبارزاتی ماه گذشته خواهیم داشت:

اخبار سرکوب و مقاومت

۱ اسفند

بیش از ۹۰ تن از زندانیان سیاسی و عقیدتی با انتشار بیانیه‌ای

کانون نویسندگان ایران، را بی‌اساس و فاقد وجهت قانونی خواند.

۱۹ اسفند

«شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران» با انتشار اطلاعیه‌ای خواهان آزادی «اسماعیل عبدی» شد. در این اطلاعیه آمده است: «... بدیهی است که شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، قوه‌ی قضائیه، دادستان تهران، رئیس زندان، قاضی ناظر بر زندان، بازجوها، قاضی پرونده و مسئولین دایره‌ی نظارت بر رفتار زندانیان سیاسی را مسئول هرگونه عواقب احتمالی اعتصاب غذای اسماعیل عبدی دانسته، انتظار دارد بیش از این در حق این معلم فرهیخته و خانواده‌اش ظلم روا ندارند و در آستانه سال نو شرایط آزادی او را فراهم آورند. همچنین یادآوری می‌شود، در صورت ادامه این روند، شورای هماهنگی سکوت نخواهد کرد».

۲۰ اسفند

«اسماعیل عبدی» به دنبال تأمین خواسته‌های قانونی خود از سوی مقامات به اعتصاب غذای خود پایان داد. «اسماعیل عبدی» از روز یکشنبه ۱۷ اسفند در اعتراض به ایجاد محدودیت غیرقانونی برای زندانیان سیاسی از جمله قطع تلفن خود، در اعتصاب غذا به‌سر می‌برد. با پیگیری‌های خانواده، وکیل و حمایت‌های گسترده کانون‌های صنفی معلمان و شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، تلفن آقای «اسماعیل عبدی» از ساعت ۱۶ روز ۲۰ اسفند فعال شد. پس از آن «عبدی» طی تماسی با خانواده ضمن تشکر از پیگیری‌های کانون‌های صنفی و شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران در اعلام حمایت و همراهی با خانواده و حقوق قانونی او، پایان اعتصاب غذای خود را اعلام کرد.

۲۲ اسفند

«پلاتفرم سندیکاهای کارگری سوئد» با انتشار بیانیه‌ای سرکوب کارگران و کنشگران مدنی را محکوم ساخت. در این بیانیه آمده است: «... پلاتفرم سندیکاهای کارگری سوئد ضمن محکوم کردن سیاست سرکوب، شکنجه و زندان جمهوری اسلامی اعلام می‌دارد که بر تلاش‌های خود در جامعه سوئد و در سطح بین‌المللی برای در تنگنا قراردادن جمهوری اسلامی و مقابله با سیاست سرکوب آن از هیچ تلاشی دریغ نمی‌ورزد. ما خواهان موارد زیر هستیم: آزادی فوری و بی‌قید و شرط تمامی فعالین مدنی و کارگری، به رسمیت شناسی حق آزادی بی‌قید و شرط بیان، به رسمیت شناسی آزادی برپایی تجمعات اعتراضی، به رسمیت شناسی آزادی تشکیل سندیکاهای آزاد و مستقل کارگری».

۲۳ اسفند

طبق خبر منتشر شده از سوی شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان نیروهای امنیتی در پی شکنجه‌ی «اسماعیل عبدی»، خانواده، همکاران و هواداران وی هستند. به دنبال انتقال این معلم فرهیخته و مدافع حقوق معلمان و دانش‌آموزان

آخرین دفاع خود، در دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان شوش حاضر شدند. سندیکای کارگران نیشکر هفت هرگونه پرونده‌سازی برای کارگران شریف و زحمتکش را محکوم ساخت و خواهان پایان دادن به این روند پوسیده پرونده‌سازی شد.

سندیکای کارگران شرکت واحد در اعتراض به احضار کارگران، هرگونه پرونده‌سازی، تهدید، بازداشت و زندانی کردن کارگران معترض و فعالین کارگری و صنفی را محکوم ساخت و خواستار منع تعقیب کارگران معترض نیشکر هفت تپه شد.

«اسماعیل عبدی» از روز یکشنبه ۱۷ اسفند در اعتراض به انتقال غیر قانونی‌اش به بند ۶ زندان اوین و ایجاد محدودیت و قطع تلفن و ارتباط با خانواده، اعتصاب غذا کرد. «عبدی»، گزارش دروغ مسئولین بند ۸ مبنی بر رهبری تحرکات سیاسی (بیانیه، برگزاری مراسم، اعتراضات جمعی - برگزاری مراسم یادبود زنده یاد «بهنام محجوبی»، اجرای سخنرانی و خواندن شعرهای اعتراضی با مجری گری آقای «عبدی») را از دلایل اعتصاب غذای خود اعلام کرده است.

پرونده‌سازی امنیتی علیه خانم «فرزانه زیلابی»، وکیل کارگران هفت تپه با دخالت دادستان شوش (مصطفی نظری) و رئیس سابق دادگستری شوش (صادق جعفری چکنی)، صورت گرفته است. مقامات امنیتی و قضایی در همکاری با کارفرمای بخش فاسد خصوصی نیشکر هفت تپه، علاوه بر پرونده‌سازی برای کارگران هفت تپه همزمان سعی دارند با پرونده‌سازی برای وکیل کارگران هفت تپه، خانم «فرزانه زیلابی»، مبارزات به حق کارگران هفت تپه را به شکست بکشانند، اما کارگران نشان داده‌اند که هرگونه پرونده‌سازی با شکست مواجه خواهد شد و کارگران از مبارزه برای رسیدن به مطالبات خود از جمله لغو خصوصی‌سازی باز نخواهد داشت. سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه هرگونه پرونده‌سازی برای وکیل کارگران نیشکر هفت تپه خانم «فرزانه زیلابی»، را شدیداً محکوم ساخت و خواهان پایان دادن به این رویکرد ضد انسانی و ارتجاعی شد. «اسماعیل گرامی»، فعال حقوق بازنشستگان، «اسعد مفتاحی» و چهار تن دیگر از بازداشت‌شدگان، که در تجمع مقابل وزارت کار بازداشت شده بود، با قرار تعلیق تعقیب آزاد شدند. ولی «کامیار فکور» هنوز آزاد نشده است و برای بازجویی بیش‌تر در زندان اوین نگهداری شده است. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه بازداشت تجمع‌کنندگان را در مقابل وزارت کار، که در اعتراض به حداقل مزد ناچیز برگزار شد، محکوم ساخت و خواستار آزادی بی‌قید و شرط «کامیار فکور» و رسیدگی پزشکی به جراحت چشم ایشان شد، که ناشی از ضرب و شتم پلیس است.

کمپین حقوق بشر ایران با انتشار متنی در وبسایت خود به تداوم فشارهای امنیتی بر اعضای کانون نویسندگان ایران پرداخت و حکم یازده سال حبس برای «آرش گنجی»، مترجم و منشی

انتقال است، هر روز یک نفر به این اعتصاب غذا خواهد پیوست. در این اطلاعیه آمده است: «... با توجه به اینکه مقامات قضایی و دست‌اندرکاران زندان تاکنون از پاسخ به خواست ما مبنی بر روشن ساختن وضعیت «اسماعیل عبدی» خودداری کرده‌اند، ما دو تن از همبندان ایشان، «بکتاش آبتین» و «امیر سالار داودی» از ساعت ۱۸ روز ۲۷ اسفند ماه ۱۳۹۹ دست به اعتصاب غذا زدیم. این آغازی هشداردهنده است و تا زمانی که خواسته ما محقق نشود، در هر روز یک زندانی به این اعتصاب غذا می‌پیوندد...».

۳۰ اسفند

بیست و هشت نفر از زندانیان سیاسی در نامه خود خطاب به مردم ایران اعلام کرده‌اند که «به یاد و احترام رنج بی‌شمار گرسنگان وطن» اعلام کردند سه روز اعتصاب غذا می‌کنند. زندانیان سیاسی ضمن محکوم کردن سرکوب مردم فقرزده سراوان اعتصاب غذای خود را شکلی از «اعتراض به سرکوب، کشتار، و خفقان اقلیت‌های قومی و مذهبی» دانسته‌اند. آنها با «کشته‌شدگان آبان ماه ۹۸ و همه جان‌هایی که در راه سعادت و آزادی ایران فدا شد» اعلام همبستگی کرده، به اعدام «نوید افکاری»، «مصطفی صالحی»، «محمد ثلاث» و هزاران زن و مردی که ایستاده برای مردم‌شان جان دادند» اعتراض کرده‌اند. شش نفر از زنان زندانی سیاسی محبوس در زندان اوین نیز به اعتصابیون پیوستند.

بازنشستگان

۱ اسفند

جمعی از بازنشستگان کارگری زنجان در اعتراض به سیاست فقیرسازی و عدم اجرای متناسب‌سازی حقوق‌ها، در مقابل استانداری این استان تجمع اعتراضی برگزار کردند. این بازنشستگان از دولت و نمایندگان مجلس درخواست دارند برای اجرای متناسب‌سازی بازنشستگان کارگری در سال آینده بودجه مناسب در نظر بگیرند؛ در عین حال، اجازه دهند مستمری‌ها مطابق قانون افزایش یابد و حداقل به خط فقر نزدیک شود.

۲ اسفند

«کنفدراسیون جهانی اینداستریال» حمایت خود را از اعتراضات و خواسته‌های بازنشستگان ایران و ایران خودروی تبریز اعلام داشت. در این اطلاعیه آمده است: «... کارگران ایرانی برای دفاع از حقوق خود، به اعتراض برخاسته‌اند. آنها حق دارند که چنین کنند و شجاع هستند که در برابر شرکت‌هایی که از عهده مسئولیت‌های خود بر نمی‌آیند، ایستادگی کنند. ایران باید اتحادیه‌های مستقل کارگری را به رسمیت بشناسد، تا کارگران و بازنشستگان کشور بتوانند به عدالت دست یابند».

۳ اسفند

تجمع سراسری بازنشستگان و مستمری بگیران تأمین اجتماعی در ۲۰ شهر ایلام، تهران، نیشابور، اهواز، خرم‌آباد، تبریز،

از بند ۸ زندان اوین به بند ۶ و قطع تلفن وی، علی‌رغم فشار بر ایشان برای درخواست انتقالی به زندان رجایی شهر، بدون هیچگونه حکم قضایی، و بدون هیچگونه درخواستی از سوی خود یا خانواده‌اش، امروز شنبه ۲۳ اسفند به دنبال انتقال ایشان به زندان گوهردشت کرج هستند. شورای هماهنگی با محکوم کردن برخوردهای خشونت‌آمیز حاکمان با جامعه‌ی مدنی و تشکل‌های فرهنگی ایران، خواهان آزادی بی‌قید و شرط همه معلمان زندانی می‌باشد.

۲۵ اسفند

«کانون صنفی معلمان ایران (تهران)» با انتشار بیانیه‌ای نحوه رفتار با «اسماعیل عبدی» را در انتقال از زندان اوین به رجایی شهر محکوم ساخت. در این بیانیه آمده است: «کانون صنفی معلمان برخورد غیر انسانی و غیرقانونی ماموران در انتقال اسماعیل عبدی از زندان اوین به زندان رجایی شهر، در تاریخ ۲۳ اسفند را شدیداً محکوم می‌نماید و آن را اقدامی برخلاف ابتدایی‌ترین اصول اخلاقی و حقوق شهروندی و مدنی می‌داند. ... لذا اکیداً از مسئولان دستگاه قضایی می‌خواهد ضمن برخورد فوری با خاطیان، شرایط آزادی بی‌قید و شرط اسماعیل عبدی را که سه ماه از پایان دوران محکومیتش نیز گذشته را فراهم نمایند؛ باشد که گواهی شود بر عملی شدن یکی از بیست‌هزار شعارهای تاکنون غیرعملی!».

«انجمن پن ملبورن» با حمایت «پن سیدنی» و «پن پرت» خواستار لغو فوری و بی‌قید و شرط احکام صادره علیه «آرش گنجی» شد.

۲۶ اسفند

«آتنا دائمی» در آستانه سال نو بطور ناگهانی از زندان اوین با پابند و دستبند به زندان لاکان رشت تبعید شد. موج تبعید زندانیان سیاسی در زندان‌های کشور، روز بروز گسترده‌تر می‌شود. این تبعیدها به منظور فشار بیش‌تر بر جامعه و خصوصاً زندانیان سیاسی می‌باشد. «مریم اکبری منفرد»، «گلرخ ایرایی»، «آتنا دائمی»، «اسماعیل عبدی»، «سپیده قلیان» از جمله زندانیان سیاسی و فعالین حقوق بشری هستند که در دو هفته اخیر به زندان‌های مختلف کشور تبعید گردیده‌اند.

۲۷ اسفند

«کامیار فکور» از حامیان طبقه کارگر، که در تجمع کارگران و بازنشستگان در مقابل وزارت کار بازداشت شده بود، با وثیقه سیصد میلیون تومانی موقتاً از زندان آزاد شد.

۲۸ اسفند

«بکتاش آبتین» و «امیرسالار داودی» در اعتراض به انتقال تنبیهی زندانیان سیاسی دست به اعتصاب غذا زدند. «بکتاش آبتین»، شاعر و عضو کانون نویسندگان ایران و «امیرسالار داودی»، وکیل با انتشار اطلاعیه‌ای به «جایجایی سرکوبگرانه»ی «آتنا دائمی»، «سپیده قلیان»، «مریم اکبری منفرد» و «اسماعیل عبدی» را محکوم ساخته و اعلام کرده‌اند تا زمان تحقق خواسته‌شان، که پایان یافتن تنبیه و مجازات زندانیان معترض تحت عنوان

تهران و دیگر شهرهای کشور برگزار شد. تجمع سراسری بازنشستگان تأمین اجتماعی در تهران همزمان در برابر وزارت کار و مجلس برگزار گردید. این تجمع در برابر وزارت کار در تهران، با حمله و یورش مأموران نیروی انتظامی روبرو شد که منجر به پراکنده شدن تجمع کنندگان گردیده، تعدادی مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و تعدادی نیز بازداشت شدند. اسامی بازداشت شدگان تجمع مقابل وزارت کار عبارتند از «اسماعیل گرامی»، «کامیار فکور» و «اسعد مفتاحی». تجمع بازنشستگان در شهرهای دیگر از جمله: یزد، شوش، اصفهان، تبریز، شوشتر، هفت تپه، خرم آباد، ایلام، قزوین، کرمانشاه، اهواز، شاهرود، رشت، مشهد، اراک، بجنورد، کرمان، کرج، شیراز، سنندج، بهشهر، ساری، اردبیل و ارومیه در برابر سازمان تأمین اجتماعی برگزار شد.

تشکل‌های کارگری، بازنشستگان و معلمان (سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، سندیکای کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه، کانون صنفی معلمان اسلامشهر، گروه اتحاد بازنشستگان، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری، اتحاد بازنشستگان، شورای بازنشستگان ایران، اتحاد سراسری بازنشستگان ایران، کمیته پیگیری ایجاد تشکل‌های کارگری و گروه کانون گفتگوی بازنشستگان تأمین اجتماعی)، به مناسبت تجمع سراسری ۱۷ اسفند بیانیه‌ای منتشر ساختند که در آن بر خواسته‌های بر حق زحمتکشان مهر تأیید زدند. در این بیانیه بر پیگیری جمعی و متشکل خواسته‌های خود از جمله مزد حداقل سال آینده و پافشاری برخواست‌ها، ایجاد تشکل‌های کارگری و پایان دادن به ساز و کار شورای عالی کار و کمیته مزد، با ایجاد تشکل‌های کارگری و انتخاب نمایندگان واقعی تأکید و نسبت به شیوه‌های سرکوب مزدی از جمله تعیین مزد به صورت مزد منطقه‌ای، توافقی و یا هر ترفند دیگری از این دست، اعلام انزجار و اعتراض شد.

کارگران غیررسمی نفت با انتشار بیانیه‌ای حمایت خود را از تجمع سراسری بازنشستگان و مستمری بگیران تأمین اجتماعی اعلام داشتند. در این بیانیه آورده‌اند: «... همه می‌دانیم که جنبش برای خواست افزایش دستمزدها به بالای ۱۲ میلیون، امروز یک جنبش وسیع و اجتماعی است و یک خواست مهم اعتراضات ما هزاران کارگر غیررسمی نفت تأکید بر همین خواست بود و امروز با توجه به رشد سرسام‌آور قیمت‌ها، با تأکید بیش‌تری بر آن پای می‌فشاریم...».

قطعنامه تجمع اعتراضی تشکل‌های مستقل کارگران، بازنشستگان، معلمان، برای افزایش مزد حداقل ۱۴۰۰ با تأکید بر خواسته‌های هشتگانه کارگران و زحمتکشان صادر شد. در این قطعنامه آمده است: «گسترش و ادامه مبارزه برای افزایش مزد سال ۱۴۰۰ ضرورت پافشاری بر خواست فوری و مبرمی است که حق حیات کارگران، بازنشستگان، معلمان، پرستاران و همه زحمتکشان شاغل و بیکار به آن وابسته است. ما در هر

اراک، کرمانشاه، یزد، اصفهان، اردبیل، قزوین، اراک، رشت، مشهد، شوش، دزفول، شوشتر، کرج و بجنورد در برابر سازمان تأمین اجتماعی، در اعتراض به پایین بودن سطح دستمزد و مستمری و پایمال شدن حقوق خود در مقابل سازمان تأمین اجتماعی شهرهای مختلف برگزار شد. در پایان تجمع سراسری بازنشستگان و مستمری بگیران سازمان تأمین اجتماعی بیانیه‌ای منتشر شد که در آن خواست‌های هشتگانه بازنشستگان آمده است.

بازنشستگان فولادی و معدنی نیز در مقابل مجلس تجمع کردند. در اراک کارگران هپکویی با به دوش گرفتن تابوت نمادین شرکت هپکو به راهپیمایی در مرکز شهر اراک پرداختند و سپس در مقابل سازمان تأمین اجتماعی تجمع کردند.

۱۰ اسفند

تجمع سراسری مستمری بگیران و بازنشستگان تأمین اجتماعی بنا به فراخوان قبلی، در ۲۵ شهر تهران، شیراز، کرمان، دزفول، خرمشهر، قزوین، کرج، رشت، اراک، ایلام، کرمانشاه، زنجان، مشهد، شاهرود، سنندج، اهواز، تبریز، شوشتر، یزد، نیشابور، آبادان، اصفهان، بجنورد، شوش و خرم آباد در اعتراض به وضعیت اسفبار معیشتی و عدم اجرای همسان‌سازی و افزایش دستمزد بر اساس نرخ تورم واقعی، در شهرستان‌ها در مقابل اداره کل تأمین اجتماعی و در تهران در مقابل وزارت کار برگزار شد. بازنشستگان در سال جاری به طور مستمر برای تحقق یافتن مطالبات‌شان دست به تجمعات اعتراضی در تهران و ده‌ها شهر در کشور زده‌اند و تا رسیدن به خواسته‌هایشان به تجمعات اعتراضی خود، مصممانه ادامه خواهند داد.

۱۲ اسفند

کارگران بازنشسته مجموعه هتل لاله تهران، که پیش از این به دلیل عدم پرداخت حق سنوات خود، اعتراض‌شان را رسانه‌ای کرده بودند، برای رساندن صدای اعتراض خود به گوش مسئولین این مجموعه، در برابر ساختمان این هتل تجمع اعتراضی برگزار نمودند.

۱۳ اسفند

تجمع اعتراضی بازنشستگان فولاد اصفهان و خوزستان همزمان در برابر استانداری این استان‌ها برگزار شد. بازنشستگان معترض فولاد اصفهان و خوزستان خواستار همسان‌سازی و اختصاص دادن بودجه عادلانه می‌باشند.

۱۶ اسفند

بازنشستگان تأمین اجتماعی با فراخوان اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری با درخواست تصویب اعتبار ۹۰ هزار میلیارد تومانی، در مقابل مجلس تجمع کردند.

بازنشستگان صنایع فولاد در مقابل ساختمان مجلس در تهران تجمع کرده و خواستار رسیدگی به مطالبات خویش شدند.

۱۷ اسفند

بنا به فراخوان قبلی، تجمع سراسری بازنشستگان و مستمری بگیران تأمین اجتماعی، روز یکشنبه ۱۷ اسفند ماه ۹۹ در

تسویه حقوق و مزایا تا اول اسفند امسال است.

۲ اسفند

کارگران پیمانی شرکت نفت با انتشار دومین بیانیه، خواست‌های پنجگانه خود را اعلام داشتند. در این بیانیه آمده است: «ما کارگران پیمانی در نفت در تدارک اعتصاب سراسری دیگری هستیم. اعتصاب سراسری اول ما در مرداد ماه برپا شد و در آن ۲۵ هزار از کارگران پیمانی از مراکز مختلف نفتی و موسسات وابسته به آن و نیروگاه‌ها وارد اعتصاب شدیم. یک خواست مشخص ما در این اعتراضات افزایش فوری سطح حقوق‌ها بود. بعلاوه به قراردادهای موقت کاری و پیمانی و نداشتن امنیت شغلی، پایین بودن سطح استاندارد زیستی و کاری خود در محیط کار و در خوابگاه‌ها و غذاخوری‌ها و به سطح نازل درمانگاه‌ها و نبودن امکان استفاده رایگان از آنها برای همه کارگران نفت، به دزدی‌ها و اختلاس‌ها و تعرض به زندگی و معیشت کارگر تحت عنوان خصوصی سازی‌ها، به امنیتی بودن محیط کارمان و پاسخ هر اعتراضی را با تهدید دادن و به عدم ایمنی محیط کار و عدم رعایت پروتکل‌های سازمان بهداشت جهان اعتراض داشتیم و هیچ کدام از این مطالبات پاسخ نگرفت. ... در اعتصاب سراسری بعدی، همه متحدانه حول این خواست‌ها، جمع شویم و در گام اول بر افزایش حقوق‌ها به بالای دوازده میلیون تاکید کنیم.»

۱۸ اسفند

تجمع اعتراضی کارگران شرکت نفت ماهشهر در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات و اجرانشدن طرح طبقه‌بندی مشاغل، در برابر فرمانداری ماهشهر برگزار شد.

۱۹ اسفند

تجمع اعتراضی نیروهای وزارت نفت، که دارای قرارداد مدت موقت می‌باشند، در مخالفت با رسمیت یافتن تبعیض میان آنها با نیروهای رسمی وزارت نفت، روبروی مجلس برگزار شد. در تجمع اعتراضی نیروهای قرارداد مدت موقت وزارت نفت، به گفته تجمع کنندگان در حالی که نیروهای رسمی وزارت نفت حداقل ۱۵ میلیون تومان حقوق دریافت می‌کنند، نیروهای قرارداد مدت موقت که هم رده آنها می‌باشند، تنها حدود ۴ میلیون تومان در ماه دریافت می‌کنند. خواسته اصلی بیش از ۳۴ هزار نیروی قرارداد موقت وزارت نفت تبدیل قراردادهای آنها به قرارداد دائمی است.

۲۹ اسفند

جمعی از کارکنان شرکت (او آی سی او) پالایشگاه هشتم پارس جنوبی عسلویه، فاز (۲۰ - ۲۱) برای سومین روز متوالی، به دلیل مشکلات شغلی اقدام به تحصن کردند.

فرهنگیان

۳ اسفند

آموزگاران حق‌التدریسی در اعتراض به وضعیت شغلی و با خواست استخدام در برابر مجلس دست به تجمع اعتراضی

فرصتی در طول سال نارضایتی عمیق خود را از حداقل مزد مصوب اعلام کرده و می‌کنیم. ... ما براین باوریم که با اتحاد و همبستگی طبقاتی و اعمال اراده جمعی خود از راه ایجاد و گسترش سازمان‌های مستقل کارگری می‌توانیم بر نظام ظالمانه مزدی پایان دهیم. همان‌گونه که کارفرمایان و دولت سرمایه‌داری جز به منافع خود در تعیین دستمزدها نمی‌اندیشند، کارگران نیز باید به نیروی همبسته و اراده سازمان‌یافته و تنها قدرت طبقاتی خود متکی باشند! ...»

۲۴ اسفند

بازنشستگان تأمین اجتماعی تهران برای پیگیری مطالبات خود مقابل اداره تأمین اجتماعی تجمع اعتراضی برگزار کردند. گروهی سراسری بازنشستگان تأمین اجتماعی برای پیگیری مطالبات خود، در مقابل اداره تأمین اجتماعی، در ۲۰ شهر (تهران، شوشتر، سنندج، کرمانشاه، اردبیل، رشت، اراک، مشهد، تبریز، کرج، خرم‌آباد، ایلام، شیراز، یزد، کرمان، شوش، قزوین، سقز، آبادان و خرمشهر) در اعتراض به عقب‌افتادن همسان‌سازی‌ها و همچنین شیوه غلط همسان‌سازی برگزار شد.

۲۸ اسفند

بازنشستگان و مستمری بگیران تأمین اجتماعی در برابر سازمان تأمین اجتماعی، در شهرهای تهران، اراک، اهواز، خرم‌آباد، شهرکرد، کرمان و چند شهر دیگر در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات‌شان تجمع اعتراضی برپا کردند.

نفت، گاز، پتروشیمی و نیروگاه‌ها

۲ اسفند

کارکنان پالایشگاه گاز ایلام، شرکت «آرین تجارت مانا»، در اعتراض به اخراج دسته جمعی در برابر استانداری با خواست بازگشت به کار و دریافت معوقات خود دست به تجمع زدند. کلیه کارگران اخراجی جزء کارگرانی هستند که در مرداد ماه سال ۹۹، در اعتراض به زورگویی‌های پیمانکاران و قراردادهای موقت کاری و با خواسته‌هایی چون لغو قراردادهای موقت کاری، داشتن امنیت شغلی و توقف اخراج‌ها و افزایش دستمزدها دست به اعتصاب زده بودند.

چهارصد کارگر پروژه‌ای شرکت‌های اکسیر صنعت، سکاف، آباد راهان، برای دریافت عیدی و مزایا و همچنین حقوق دیمه و بهمن ماه در محوطه پالایشگاه آبادان دست به اعتصاب زدند.

۳ اسفند

کارگران پروژه‌ای پتروشیمی ایلام، که حدود ۱۰۰ نفر می‌شوند، در اعتراض به مفاد شیوه‌نامه جذب نیرو تجمع اعتراضی برگزار کردند.

۶ اسفند

دویست کارگر شرکت آویژه در پالایشگاه نفت سنگین قشم از اول اسفند در اعتصاب بصری برند و در محوطه پالایشگاه جمع شده و خواسته‌های خود را می‌خواهند. خواسته‌های کارگران

زدند.

۵ اسفند

پنج گروه از معلمان (خرید خدمات آموزشی، حق التدریس، برون‌سپار، سرباز معلم و مربیان پیش‌دبستانی) مقابل مجلس در مخالفت با طرح‌های ناعادلانه نمایندگان مجلس در کمیسیون آموزش و تحقیقات دست به تجمع اعتراضی زدند و انزجار خود را از این طرح‌ها و تصمیمات ناعادلانه کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس اعلام نمودند.

۱۸ اسفند

اعتراض فرهنگیان استان فارس به وضعیت موجود در آموزش و پرورش و همچنین اعتراض به بی‌توجهی‌های وزارت، مجلس و دولت به حذف سنوات خدمتی فارغ‌التحصیلان دانشسرای شاغل و شرایط ناهنجار آموزش از نظر امکانات، در محوطه اداره کل آموزش و پرورش شیراز. مدیر کل آموزش و پرورش فارس در این تجمع حضور یافت.

۲۰ اسفند

کارکنان دانشگاه یاسوج در تجمع صنفی خود در محوطه ساختمان مدیریت، خواستار رسیدگی و پیگیری مسئولان دانشگاه برای پرداخت پاداش و عیدی و سنوات خود شدند.

۳۰ اسفند

انجمن صنفی معلمان کردستان (سقز و زیویه) در بیانیه خود به مناسبت سال نو آورده است: «... انجمن صنفی معلمان کردستان شاخه سقز و زیویه در کنار همه معلمان ایران این خواسته بر حق را فریاد می‌زند و تا رسیدن به این خواسته از پای نخواهد نشست و از تمام نیروی خود برای رسیدن به آن استفاده خواهد کرد. ما خواهان آزادی معلمان در بیان واقعیت‌ها و احقاق حقوق دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان بر اساس اصول قانون اساسی کشور هستیم. ما خواهان آزادی اسماعیل عبدی‌ها و احقاق حقوق از دست رفته آنها هستیم».

کانون صنفی فرهنگیان گیلان در اعتراض به برخوردهای غیر قانونی با «اسماعیل عبدی» در بیانیه منتشره خود آورده است: «... اینکه که به سال جدید ورود می‌کنیم، دوستان و همبندیان اسماعیل عبدی آقایان امیر سالار داوودی، بکتاش آبتین و مصطفی خسروی در حمایت از اسماعیل عبدی و تبعید ناروای دیگر زندانیان سیاسی، دست به اعتصاب غذا زده‌اند. ... کانون صنفی فرهنگیان گیلان ضمن محکوم کردن شدید برخوردهای صورت گرفته غیر انسانی با اسماعیل عبدی انتظار دارد اگر گوش‌های شنوایی در دستگاه قضایی صدای مظلومیت خانواده و فرزندان عبدی را می‌شنوند، به خود آیند و بدانند که ظلم و ستم برای کسی حجیت و اعتبار نمی‌آورد».

کارگران دیگر**۳ اسفند**

کارگران هیکو در ادامه اعتراضات خود به خیابان آمدند و در مرکز شهر اراک تابوت شرکت را به صورت نمادین تشییع

کردند و در نزدیکی ساختمان تأمین اجتماعی تجمع کردند. تشکلات مستقل کارگری از جمله سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه حمایت خود را از اعتصاب، اعتراض و راهپیمایی کارگران هیکو اعلام داشتند.

جمعی از کارگران خطوط راه آهن کرمان، که در استخدام «شرکت تراورس» هستند، در اعتراض به عدم پرداخت ۳ ماه دستمزد معوقه خود و عیدی، اقدام به برگزاری تجمع کردند.

۶ اسفند

کارگران فضای سبز شهرداری منطقه ۳ خرم‌آباد در اعتراض به نداشتن امنیت شغلی به دلیل بکارگیری زندانیان و خطر اخراج از کار و همچنین پرداخت نشدن ۸ ماه حقوق، دست به اعتصاب ۳ روزه زدند و از روز دوشنبه ۴ اسفند ماه تجمعاتی را در برابر استانداری، شهرداری و شورای شهر برگزار کردند.

۱۰ اسفند

گروهی از کارگران «شیر پگاه تهران» با تجمع مقابل ساختمان قوه قضائیه اعتراض خود را نسبت به ادامه تصرف اراضی کارگران این کارخانه در منطقه تهران پارس، توسط سپاه پاسداران، ابراز داشتند.

۱۳ اسفند

کارگران شرکت «سرامیک فردا» زیر مجموعه کاوه فلوت در شهرک صنعتی ساوه دست به اعتصاب زده و در محوطه کارخانه تجمع کردند. خواست اصلی آنان هماهنگ نبودن دریافت‌ها با کار محوله است و خواستار افزایش دستمزدها هستند.

۱۴ اسفند

یازدهمین روز اعتصاب کارگران لاستیک پارس ساوه ادامه یافت. اعتصاب کارگران لاستیک پارس ساوه با وجود توطئه‌ها و تهدیدات کارفرما به اخراج کارگران، همچنان متحدانه و با قدرت ادامه دارد. کارگران به سطح پایین دستمزد و عدم تعیین تکلیف صندوق پس‌انداز و دزدی‌ها و اختلاس‌های پشت‌پرده آن اعتراض دارند.

به دنبال فراخوانی که از قبل اعلام شده بود، کارگران راه‌آهن ورامین در اعتراض به عقب‌افتادن ۴ ماه مزد و دیگر مزایای کاری و نداشتن امنیت شغلی، از کار دست کشیده و اعتصاب کردند.

۱۵ اسفند

کارگران مجموعه شهرداری «کوت سید نعیم» از توابع بخش مرکزی شهرستان دشت آزادگان در استان خوزستان، که حدود ۷ ماه دستمزد پرداخت نشده، دارند و بیمه آنها نیز چندین ماه پرداخت نشده است، در مقابل ساختمان استانداری دست به تجمع اعتراضی زدند.

۱۶ اسفند

جمعی از رانندگان شرکت پیمانکاری تسدید عسلویه، مجری فازهای ۱۵ و ۱۶ در اعتراض به عدم پرداخت شش ماه دستمزد معوقه خود اقدام به برگزاری تجمع کردند.

۱۹ اسفند

اعتصاب کارگران راه آهن کرج در حالی شکل گرفت که پیش از آن طی فراخوانی که داده بودند، به دلیل عدم دریافت چندین ماه حقوق و بیمه دست به اعتصاب خواهند زد تا به مطالباتشان پاسخ داده شود. روز دوشنبه ۱۸ اسفند ماه ۹۹ نیز، کارگران راه آهن کرج، نامه‌ای در همین رابطه برای فرمانداری، استانداری و امام جمعه کرج ارسال و شروع اعتصاب خود را تا رسیدن به خواسته‌هایشان اعلام کردند.

۲۰ اسفند

کارگران شرکتی توزیع برق کشور نسبت به تبعیض و حقوق نابرابر، در برابر مجلس تجمع اعتراضی برگزار کردند. کارگران شرکت توزیع برق کشور خواهان افزایش حقوق و مزایای خود، همسان با حقوق و مزایای دریافتی کارگران رسمی هستند. همچنین علاوه بر کارگران «شرکتی یا پیمانی»، تعدادی از کارگران توزیع برق «حجمی» هستند، بدین معنی که به میزانی که کار می‌کنند حقوق دریافت کرده و از مزایای مزدی طبق قانون کار محروم هستند.

دومین روز اعتصاب کارگران شرکت کیسون کوه مبارک جاسک، سازنده مخازن نفت، در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای ۳ ماه و عیدی برگزار شد. کارگران خواستار واریز شدن حقوق عقب‌افتاده خود از طرف کارفرما هستند.

۲۳ اسفند

کارگران کارخانه ایران مایه تبریز در مخالفت با تصمیم کارفرما جهت تعطیلی کارخانه و از دست دادن امنیت شغلی خود، در برابر این واحد تولیدی دست به تجمع اعتراضی زدند. علت برگزاری این تجمع اعتراضی بی‌توجهی و بی‌تفاوتی مدیران کارخانه و مسئولان استانی در برابر درخواست کارگران برای ادامه فعالیت کارخانه ایران مایه و مشخص شدن وضعیت شغلی آنها می‌باشد.

۲۵ اسفند

کارگران نگهداری خطوط و ابنیه فنی راه آهن در اراک، ورامین و کرج دست از کار کشیدند. اعتصاب کارگران در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزدها و حق بیمه و با خواست امنیت شغلی است. در ورامین، کارگران از تحویل گرفتن شیفت خودداری کردند. در کرج، یگان ویژه در محل اعتصاب کارگران حضور یافتند و چند نفر از کارگران و رئیس و روسا را بردند. کارگران راه آهن ورامین نیز که از تحویل شیفت خودداری کرده‌اند، می‌گویند تا مطالباتشان را دریافت نکنند، به سر کار باز نمی‌گردند. سه شنبه ۱۹ اسفند نیز کارگران در چند منطقه از جمله کرج، زاگرس، اراک، ورامین، و لرستان در اعتصاب بودند.

تجمع اعتراضی کارگران معادن زغال سنگ کرمان نسبت به توخالی درآمدن وعده و وعیدهای مسئولان در برابر دفتر امام جمعه کرمان برگزار شد. کارگران خواستار مطالبات خود از جمله اجرایشان کامل طرح طبقه‌بندی مشاغل، تبدیل وضعیت

قرارداد و موارد دیگر شدند.

کارکنان آتش نشانی آبادان در برابر ساختمان شهرداری آبادان، در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق و سایر مطالباتشان دست به تجمع اعتراضی زدند.

۲۶ اسفند

کارگران کارخانه پارس متال نسبت به اجرانشدن تعهدات کارفرما تجمع اعتراضی برگزار کردند.

۲۸ اسفند

کارگران راه آهن ورامین با حاضر نشدن در محل کار عملاً نسبت به عدم پرداخت حقوق شان دست به اعتصاب زدند. کارکنان بیمارستان «جلیل»، در یاسوج در اعتراض به پرداخت نشدن یک ساله حقوق و سایر مطالبات معوق دست به تجمع اعتراضی زدند.

چهارمین روز گردهمایی کارگران شرکت آب و فاضلاب و پهن کردن سفره خالی نمادین در برابر استانداری خوزستان در اهواز، در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق و دیگر مطالبات، برگزار شد.

دستمزد سال ۱۴۰۰

۲ اسفند

کارگران فولاد اهواز با انتشار اعلامیه‌ای از حداقل حقوق ۱۲ میلیون تومانی برای سال ۱۴۰۰ دفاع کردند. در این اعلامیه آمده است: «... در این شرایط تنها تعیین تصویب حداقل دستمزد ۱۲ میلیونی می‌تواند اندکی از افزایش فشار بر خانواده‌های کارگری جلوگیری کند و از آنجا که خط فقر ۱۱ میلیون تعریف شده، هر پرداختی کم‌تر از آن دردی از مشکلات بیشمار کارگران را درمان نخواهد کرد و قابل پذیرش نیست. این نرخ ۱۲ میلیونی کم‌ترین میزانی است که یک خانواده کارگری برای رفع نیازهای اولیه خود نظیر خوراک، پوشاک، مسکن، آموزش و درمان به آن نیازمند است...».

چند تشکل کارگری، در بیانیه‌ای، خواستار افزایش حداقل دستمزد ۱۴۰۰، به ۱۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان در ماه شده‌اند. در این بیانیه، کارگران پتروشیمی‌های منطقه اقتصادی ماهشهر و بندر خمینی، کارگران پروژه‌های پارس جنوبی، فعالان کارگری جنوب، فعالان کارگری شوش و اندیمشک، و جمعی از کارگران محور کرج از جمله معترضین به حداقل دستمزد تعیین شده ۱۴۰۰ می‌باشند.

کانون هم‌هنگی شوراهای کار خراسان رضوی، در نامه سرگشاده‌ای به شورای عالی کار، درباره تعیین دستمزد ۱۴۰۰ کارگران عنوان کرده است که تنها گروهی که مظلوم واقع شده‌اند، کارگران هستند. در نامه کانون هم‌هنگی شوراهای کار خراسان رضوی آمده است: «این نوع تعیین دستمزد، خود تبعیض قائل شدن بین کارگران و ایجاد شکاف و اختلاف خواهد شد و دست عده‌ای را برای سوءاستفاده باز خواهد گذاشت و جامعه کارگری هستند که همچنان مظلوم واقع

شده‌اند».

اتحادیه‌ها و تشکل‌های مختلف کارگری، طی بیانیه‌های جداگانه و یا مشترک، عنوان کرده‌اند که حداقل دستمزد ۱۴۰۰ کارگران نایستی کمتر از ۱۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان باشد، در حالی که شورای عالی کار، که هر سه جزء آن از جمله نمایندگان به اصطلاح کارگران، از منافع دولت و حاکمیت حمایت می‌کنند، حداقل دستمزد کارگران را برای سال ۱۴۰۰ با اختلاف چند میلیونی نسبت به خواسته کارگران تعیین کرده‌اند.

۲۶ اسفند

کارگران غیررسمی نفت در اعتراض به دستمزد اعلام شده برای سال ۱۴۰۰ اقدام به انتشار بیانیه‌ای کردند که در آن می‌خوانیم: «... ما کارگران غیررسمی نفت، در همان اعتصاب سراسری مرداد ماه خود، بر خواست افزایش دستمزدها به بالای ۱۲ میلیون تأکید داشتیم؛ در بیانیه دوم خود نیز اعلام کردیم که هیچ کارگری نباید کمتر از ۱۲ میلیون مزد بگیرد. ... سال ۱۴۰۰ سال اتحاد همه ما کارگران برای دفاع از زندگی و معیشت‌مان خواهد بود و با برافراشتن پرچم خواست افزایش دستمزد به بالای ۱۲ میلیون در تدارک آن خواهیم بود».

روز زن

۱۶ اسفند

تشکل صنفی «اتحاد سراسری بازنشستگان ایران» در بیانیه‌ای به مناسبت روز جهانی زن آورده است: «... اتحاد سراسری بازنشستگان ایران بر این باور است که جنبش مستقل زنان نیز فقط در همبستگی و هم‌پوندی با مبارزات دیگر نیروهای اجتماعی همچون کارگران، زحمتکشان، دانشجویان و جوانان و خلق‌های تحت ستم ملی می‌تواند راه‌گشای تحولات جدی آینده به سوی تحقق آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی برای مردم کشورمان باشد».

۱۷ اسفند

تشکل «گروه اتحاد بازنشستگان» در بیانیه خود به مناسبت روز زن آورده است: «... محدودیت‌ها و ممنوعیت‌ها، سرکوب و بازداشت و حبس اینبار به بهانه شیوع کرونا علیه زنان شدت یافت. اما در سوی دیگر تجربه همزمان ستم و استثمار، توان مقابله و مبارزه زنان را در برابر شرایط حاکم در تمامی ابعاد نیز به عمل اجتماعی کشانده است. زنان در تمامی نقاط جهان با حضور چشمگیر و در صف نخست مبارزه به ضد ستم و استثمار و تبعیض به سمت و سو دادن اعتراضات و پیگیری خواست‌ها پرداخته، همدلانه به حمایت و همیاری با سایر جنبش‌های اعتراضی جاری اجتماعی همت گماشته‌اند. ...».

کانون نویسندگان ایران با انتشار بیانیه‌ای به مناسبت روز زن با تأکید بر برابری زنان و مردان و مشارکت زنان در جنبش‌های مختلف اجتماعی این روز را بر همه مردان و زنان آزاداندیش تبریک گفت. در این بیانیه آمده است: «... کانون نویسندگان

ایران همواره در اسناد و بیانیه‌های خود بر برابری حقوق زنان در همه عرصه‌های حیات فردی و اجتماعی تأکید کرده و در برابر تبعیض‌های سیستماتیک و سیاست‌هایی چون پافشاری بر نقش سنتی زنان در خانواده، حجاب اجباری، ایجاد محدودیت برای فعالیت‌های هنری زنان و اعمال سانسور مضاعف بر آثار ادبی و هنری آنها، مخالفت صریح خود را ابراز داشته است. «... شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران با انتشار بیانیه‌ای روز زن را تبریک گفت. در این بیانیه آمده است: «... ضمن عرض شادباش به زنان آگاه، قدرتمند، شایسته و شجاع ایران بخصوص زنان معلم و زنان کنشگر صنفی و زنده‌نگه‌داشتن یاد و خاطره زنان اندیشمند، به ویژه نویسندگان، هنرمندان، مخترعین فعالان حقوق بشر و... که در روند توسعه یافتگی ایران نقش ارزنده‌ای داشته‌اند. این تشکل فرهنگی هر گونه ستم و خشونت آشکار و پنهان علیه زنان جهان، به ویژه زنان ایران را محکوم می‌کند...».

۱۸ اسفند

کانون صنفی معلمان با انتشار بیانیه‌ای روز زن را گرامی داشت. در این بیانیه آمده است: «... کانون صنفی معلمان ایران (تهران) لازم می‌داند ۸ مارس، روز جهانی زن را به تمام زنان کشورمان به ویژه زنان معلم و کارگر و پرستار، که جسورانه و شجاعانه در شرایط سخت و نابرابر به کوشندگی اجتماعی ادامه داده و مطالبات خود را فریاد می‌زنند، تبریک بگویند».

سال نو آمد و طبیعت رخت نو بر تن کرد و نشان داد که سرما و تاریکی و سختی هرگز پایدار نیست. ما کارگران و زحمتکشان و فعالان کارگری نیز با الهام از طبیعت می‌بایست همچنان با آگاهی و امید بر تغییر، به مبارزه برای پایان دادن به دنیای تیره و تار سرمایه‌داری به پیش رویم و با اتحاد و تشکل راه‌های پیش رو را باز کنیم تا همانگونه که سازنده این جهانیم به صاحبان آن نیز تبدیل شویم!

با فساد همه‌گیر در دستگاه حاکمیت باید با شمشیر تیز انقلاب مبارزه کرد

سرتگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به دست مردم

نماد دموکراسی است. اساساً هیچ طبقه‌ای نمی‌تواند به صورت اقلیت در دوران کم و بیش طولانی در حکومت باقی بماند. هر حکومتی باید برای بقاء خود و حفظ سلطه خویش سعی کند، متحدان خویش را بیابد و آنها را با شیوه‌های گوناگون و از جمله مزایای مادی به خود ملحق نماید و به این وسیله بقاء خویش را تثبیت کند و یا اینکه قهر عریان و بی‌پروا را موقتاً به خدمت بگیرد. این نتیجه را طبقات حاکمه در ممالک امپریالیستی با غارت ممالک تحت سلطه و پرتاب قطعه‌ای از غنایم غارتگرانه خویش به سفره دیگر طبقات اجتماعی، که در قدرت سیاسی شرکت ندارند، کسب می‌نمایند. لفظ «اشرافیت کارگری» را لنین به این عده اطلاق می‌کند که زمینه مادی پیدایش اپورتونیسیم و رویزونیسم در جنبش کارگری هستند. در زیر توجه همراهان گرامی را به دلایل اصلی شکست کمون پاریس و درس‌های آن جلب می‌کنیم:

یکم اینکه پرولتاریای انقلابی پاریس فاقد حزب واحد کمونیستی و فرماندهی واحد و رهبری انقلاب ملغمه‌ای از کمونیسم، آنارشیزم، پرودونیسیم و بلانکیسم و ایده همه با هم و آزادی بی‌قید و شرط برای همگان بود.

دوم اینکه به جای اقدام به «مصادرهٔ مصادره‌کنندگان»، به خود اجازه داد با رؤیاهای برقراری یک عدالت برتر در کشوری، که با یک وظیفه ملی مشترک متحده شده بود، به بیراهه برود؛ به عنوان مثال، مؤسساتی مانند بانک‌ها مصادره نشدند، و تئوری‌های پرودونستی دربارهٔ یک «مبادله عادلانه» و غیره، هنوز در میان سوسیالیست‌ها رایج بود.

سوم اینکه به جای نابود کردن دشمنانش و درهم شکستن ماشین کهنه دولتی و اعمال انقلابی دیکتاتوری پرولتاریا درصدد برآمد تأثیر اخلاقی بر آنها بگذارد؛ پرولتاریای انقلابی به اهمیت عملیات سرکوبگرانه نظامی مستقیم در جنگ داخلی کم بها داد، و به جای شروع یک تهاجم قاطعانه علیه ورسای، که می‌توانست پیروزی آنها در پاریس تأمین کند، تأخیر نمود و به دولت ورسای زمان داد تا نیروهای سیاه خود را گرد آورد و هفته غرق به خون ماه مه را تدارک ببیند. اینهاست به طور مختصر و موجز مهم‌ترین دلایل شکست نخستین انقلاب سوسیالیستی در جهان!

با درس آموزی صحیح از شکست انقلاب و ضعف‌های کمون پاریس بود که بلشویک‌ها تحت رهبری حزب واحد لنینی، انقلاب سوسیالیستی اکتبر را سازماندهی و به پیروزی رساندند و نخستین ساختمان سوسیالیسم در جهان، با الغای مالکیت خصوصی بر ابزار تولید و سرانجام درهم شکستن قوی‌ترین ارتش امپریالیستی جهان، ارتش نازی و رهایی بشر از چنگال فاشیسم تحت رهبری استالین، رقم خورد.

زنده باد کمون و آموزه‌های کمونیستی از آن!
زنده باد حزبیت!

زنده باد دیکتاتوری پرولتاریا!



به مناسبت صدوپنجاهمین سالگرد کمون پاریس، نخستین انقلاب سوسیالیستی و مهم‌ترین آموزه‌های آن

صدوپنجاه سال پیش در روز ۱۸ مارس (۲۸ اسفند) ۱۸۷۱، کارگران و لایه‌های پایینی اقشار خرده‌بورژوازی پاریس، شهری که قهرمانانه شش ماه محاصره کامل ارتش آلمان را پشت سر نهاده بود، در شرایطی که هنوز دشمن در خاک فرانسه و در بخش‌هایی در حومه شهر بود، به مقابله با توطئه‌های پی‌درپی دولت موقت جمهوری سوم تازه تأسیس فرانسه پرداختند، و به قول مارکس «انقلاب باشکوه» خود را بر پا کردند. انقلابی که برغم عمر بسیار کوتاه‌اش نخستین تلاش برای استقرار سوسیالیسم و الهام‌بخش جنبش‌ها و انقلابات بعدی در نقاط مختلف جهان بود.

ما درباره مهم‌ترین آموزه‌های کمونیستی از انقلاب با شکوه کمون پاریس، و اینکه چرا پرولتاریا در نیمه راه متوقف شد، بارها سخن گفته‌ایم.

مباحث مربوط به سیاست‌ها و نتیجه کمون قبل از هر چیز تأثیر قابل توجهی در اندیشه‌های انقلابی و فناپذیر کارل مارکس داشت که وی آنها اولین نمونه از «دیکتاتوری پرولتاریا» توصیف کرد.

دیکتاتوری پرولتاریا اعمال قهر پرولتری اکثریت جامعه بر ضد اقلیتی است که تاکنون بر مسند قدرت بوده و از خودسری، سوء استفاده شخصی با اراده و خودکامگی فردی و یا طبقاتی بر ضد اکثریت محرومان جامعه استفاده می‌کرده است. دیکتاتوری پرولتاریا می‌خواهد به این بی‌عدالتی بی‌پایان، پایان دهد و آنها نه در کلام، بلکه در عمل و در اقتصاد و در پایه مادی زندگی عمومی مردم.

دیکتاتوری پرولتاریا، دیکتاتوری اقلیت نیست به همین جهت نیز

در همبستگی با مبارزات کارگران ایران

قطعنامه کنفرانس بین‌المللی احزاب و سازمان‌های مارکسیست - لنینیست

مقدمه

سندی را که در زیر مطالعه می‌کنید، نتیجه فعالیت هیئت نمایندگی حزب کار ایران (توفان) در گردهم‌آئی سالانه احزاب برادر در «کنفرانس بین‌المللی احزاب و سازمان‌های مارکسیست - لنینیست» است. هیئت نمایندگی حزب کار ایران (توفان) با دادن گزارشی در مورد وضعیت طبقه کارگر در ایران و لزوم حمایت بین‌المللی از آنان، نظر کنفرانس را به دادن قطعنامه‌ای در این زمینه جلب کرد. ما متن این اطلاعیه را که در سراسر جهان به زبان‌های انگلیسی، فرانسه، آلمانی، اسپانیایی، ایتالیایی، پرتغالی، نروژی، دانمارکی، آلبانیایی، صرب و کرواسی، عربی، هندی، پاکستانی و فارسی منتشر و توزیع شده است، در اختیار خوانندگان گرامی قرار می‌دهیم.

امروز در ایران، برخلاف آنچه که در سراسر جهان می‌گذرد، هر گونه فعالیت صنفی کارگری ممنوع است. رژیم جمهوری اسلامی با ممنوعیت اتحادیه‌های مستقل کارگری در ایران قصد دارد سیاست‌های نتولیرالی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در ایران را بدون مواجهه با مقاومتی متحقق کند. اما کارگران خاموش نشسته‌اند و دست به اعتراض و اعتصاب می‌زنند. رشد و گسترش اعتصابات کارگری در طی سال‌های اخیر، رژیم را در وضعیت شکننده قرار داده و تنها پاسخ آن به مشکلات روزمره مردم تشدید سرکوب سیاسی آنهاست. امروز در ایران، اعتصابات کارگری در صدها کارخانه و کارگاه کوچک و بزرگ و همینطور اعتصاب کارمندان، معلمان، پرستاران، و بازنشستگان به شدت افزایش یافته است. همه اقشار و طبقات تهری دست جامعه در اشکال مختلف ناراضیتی خود را نسبت به وضعیت ناهنجار موجود ابراز می‌دارند. امروز در ایران، زندان و شکنجه و حتا شلاق‌زدن کارگران در ملاء عام، کرداری از عصر کهن برای تحقیر قربانی، برای ایجاد فضای ترس و ارعاب، که همه قوانین جهانی حقوق بشر آن را ممنوع کرده‌اند، پدیده غریبی نیست. امروز در ایران، پرداخت حقوق کارگران حتا در بعضی موارد به بیش از یک سال به تعویق می‌افتد، وضعیتی که تحریم‌های کمرشکن اقتصادی امپریالیسم آمریکا آنرا وخیم‌تر نموده است. این امر، سلامت و حیات کارگران را به خطر انداخته است. کارگران در ایران از حقوق پایه‌ای خود، مانند حق اعتصاب و حق تشکیل سندیکای کارگری و دیگر تشکلهای مستقل، که بتوانند از حقوق و زندگی آنها دفاع کنند، محروم‌اند. کارگران در ایران حق تظاهرات اول ماه مه، روز جهانی کارگر، را ندارند. رژیم سرمایه‌داری مذهبی ایران چنین روزی را برسمیت نمی‌شناسد و کارگرانی را که شجاعانه در چنین روزی برای جشن اول ماه مه به خیابان می‌آیند، به شدت سرکوب می‌کند. رژیم مذهبی جمهوری اسلامی، که شرکت انقلابی و قدرتمند کارگران در انقلاب شکوهمند ۵۷ را دیده است، با وحشیگری به سرکوب هر

تلاشی برای شکل‌گیری تشکلات مستقل کارگری می‌پردازد و از ایجاد اتحاد در بین طبقه کارگر جلوگیری می‌کند. برای جلوگیری از تعطیلی کارخانجات، کارگران چاره‌ای جز اتحاد، همبستگی، مقاومت و ایستادگی در مقابل نظام حامی سرمایه‌دار ندارند و هر پیشروی ولو با گام‌های کوچک موجب ارتقاء سطح آگاهی و اعتماد بنفس کارگران می‌شود. کنفرانس بین‌المللی احزاب و سازمان‌های مارکسیست - لنینیست همبستگی خود را با مبارزات متنوع کارگران ایران علیه تعطیلی کارخانجات، برای بالابردن دستمزدها، برای پرداخت دستمزدهای معوقه، برای حق تشکیل نهادهای مستقل خود ابراز می‌دارد. ما حمایت قاطع خود را از کارگران ایران، که در شرایط استثنائی مبارزه می‌کنند، اعلام می‌داریم و از تمامی امکانات خود برای جلب توجه مردم جهان به این وضعیت غیرقابل تحمل استفاده خواهیم کرد.

زنده باد مبارزه کارگران و مردم ایران!

زنده باد همبستگی بین‌المللی با مبارزات کارگران ایران!

کنفرانس بین‌المللی احزاب و سازمان‌های مارکسیست - لنینیست
فوریه ۲۰۲۱»

لیست احزاب برادر متشکل در کنفرانس بین‌المللی احزاب و سازمان‌های مارکسیست - لنینیست:

- «حزب کارگران تونس»
- «حزب کار ترکیه - (امپ)»
- «حزب کمونیست کارگران دانمارک»
- «حزب کمونیست کارگران فرانسه»
- «تشکیلات برای بازسازی حزب کمونیست کارگران آلمان»
- «پلاتفرم کمونیستی نروژ»
- «تشکیلات برای احیای حزب کمونیست یونان»
- «حزب کمونیست پرولتاریای ایتالیا - پلاتفرم کمونیستی»
- «حزب کمونیست اسپانیا (مارکسیست - لنینیست)»
- «حزب کمونیست کار دومینیک»
- «حزب کمونیست مکزیک (مارکسیست - لنینیست)»
- «حزب کمونیست کلمبیا (مارکسیست - لنینیست)»
- «حزب کمونیست انقلابی ولتا (بورکینو فاسو)»
- «حزب کمونیست انقلابی شیلی»
- «حزب کار ایران (توفان)»
- «حزب کمونیست اکوادور (مارکسیست - لنینیست)»
- «حزب کمونیست انقلابی برزیل»
- «حزب کمونیست ونزوئلا (مارکسیست - لنینیست)»
- «حزب کمونیست بنین»
- «حزب کمونیست آلبانی»
- «حزب کمونیست توگو»
- «حزب کار آمریکا»
- «جبهه کارگران پاکستان»
- «راه دمکراتیک مراکش»
- «حزب کمونیست انقلابی ساحل عاج»
- «حزب کمونیست پرو (مارکسیست - لنینیست)»
- «سازمان دمکراسی انقلابی هندوستان»
- «حزب کمونیست بنگلادش»
- «اتحاد انقلابی کار صربستان»

در جهت دریافت متن قطعنامه لطفاً به [اینجا](#) رجوع کنید
ترجمه و تکثیر از حزب کار ایران (توفان) •



به مناسبت یک سالگی درگذشت زنده یاد «دکتر فریبرز رئیس دانا»

یک سال از درگذشت ناگهانی «دکتر فریبرز رئیس دانا» می‌گذرد. این صدای کارگران و زحمتکشان ایران در ۲۶ اسفند ماه سال گذشته خاموش شد. «دکتر فریبرز رئیس دانا»، اقتصاددان چپ و جسور ضد سرمایه‌داری، ضد امپریالیست و ضد صهیونیست در یکی از آخرین سخنرانی‌های خود در یک میزگرد سیاسی در خبرگزاری ایلنا درباره آزادی و عدالت اجتماعی سخن گفت و ما بخش کوتاهی از آن را در اینجا انتشار می‌دهیم و یاد او را گرامی می‌داریم. «رفیق فریبرز رئیس دانا» در این سخنرانی چنین گفت:

«[...] من به عنوان یک چپ‌گرا و سوسیالیست اینجا آمدم تا بگویم تنها راه ما دموکراتیسم است. در آن دموکراتیسم عدالت منبناست. عدالت این نیست که بورژوازی بگوید داریم به شما فرصت برابر می‌دهیم. آزادی فقط آزادی منفی «آیزالیا برلین» نیست؛ آزادی مثبت هم هست. ما نمی‌توانیم تنها بگوییم بروید مدرسه، باید مدرسه هم بسازیم. برای اینکه مدرسه بسازیم باید پول داشته باشیم و برای اینکه پول داشته باشیم، باید مالیات بگیریم. برای اینکه مالیات بگیریم، باید بگوییم که او حق ندارد که این ثروت را داشته باشد. «آقای احمدی نژاد» بدون اجرایی اصل ۴۳، مجوز اجرای سیاست‌های خصوصی‌سازی را گرفت؛ امتیازی که راست اقتصادی به او داد؛ بدون اینکه از او بخواهند اصل ۴۳ را اجرا کند و او هم با مجوز راست اقتصادی اصل ۴۳ را دور شد. صحبت‌هایی که امروز «آقای احمدی نژاد» بیان می‌کند، آن روزها که در قدرت بود، نمی‌گفت. آقای خاتمی

هم مرتب تکرار کرد.

راز فقر در غناست. راز غنا سلطه بر قدرت سرمایه‌ی سیاسی است. من فکر می‌کنم زمانی که در این چارچوب صحبت می‌کنیم، می‌توانیم از خشونت بری باشیم. می‌توانیم وقت انتخابات به تشکلهای مستقل کارگران هم فرصت بدهیم. «آقای خدایی» می‌گوید معیشت، امنیت و تشکل‌یابی. من تشکل را بسیار اساسی می‌دانم؛ چرا که دیگر نمی‌گذارد دولت‌ها با مردم صادق نباشند. «آقای هروآبادی» درست می‌گویند که مردم حق انتخاب دارند و عقلانی انتخاب می‌کنند اما تشکل است که قدرت توده‌ها را به حداکثر می‌رساند و مطالبات آنها را سر و شکل و آنها را از انحراف نجات می‌دهد؛ در غیر این صورت توده صرف به جایی نمی‌رسد؛ چرا که بی سر و چشم است.

انتخاباتی خوب است که سالم، آزادانه و منصفانه باشد. بگذارید ۱۴ میلیون کارگر و ۳ میلیون روستایی به میدان بیایند و احزاب جدید شکل بگیرند. بگذارید خانم‌ها احزاب خودشان را داشته باشند. اصلاً هم جای نگرانی ندارد. مردم این جامعه را بالای دست نمی‌گیرند و به زمین بی‌اندازند و تقدیم دیوانگانی مثل «ترامپ» کنند. من تا جان دارم حرف می‌زنم اما راه حل را پیدا کردم که علیه این ریاکاری، جلوه‌نمایی و خودنمایی‌های شبه دموکراتیک و سیاسی و ظاهر سازه است.

راهش انتقال قدرت به مردم است. این انتقال هم از راه تشکل‌ها صورت می‌گیرد. نه آسمان به زمین می‌آید نه زمین به آسمان می‌رود، جامعه شکوفاتر می‌شود. «احمدی نژاد» و «خاتمی» و «روحانی» می‌روند اما تنها با منسجم شدن توده‌های بی سر و شکل، امکان انسجام اجتماعی وجود دارد.»

یادش گرامی باد!

نماینده‌ی ما نیستند و تنها یکبار به عنوان مهمان در جمع مادران بودند. ما به قاتل‌های فرزندانمان رحم نمی‌کنیم. شخصاً با ایشان تماس می‌گیریم و می‌خواهیم از طرف ما صحبت نکنند».

همچنین مادر «مهرداد معینفر» از کشته‌شدگان آبان ۹۸ در پیامی به ۱۵۰۰ تصویر نوشته است: «حرف ما، مادران آبان، این بود که باقی مردم پیش از آنکه داغدار شوند، معترض شوند، نه اینکه انتقام نمی‌خواهیم؛ برعکس ما به امید انتقام و سرنگونی قاتلان فرزندانمان زنده‌ایم!»

خواهر «محسن جعفریناه» از کشته‌شدگان آبان ۹۸ در اینستاگرام خود خطاب به خانم «نرگس محمدی»: «توی دوران عید نوروز هستیم. کسی که سر یا قلب بچه‌ها را هدف می‌گرفت و بابت این کار تشویق شد، الان کنار خانوادش نشسته. ۱۵۰۰ خانواده از هم پاشیده شده. خواسته و حق طبیعی خانواده‌های آبان اینه که مجازات قاتل رو انتخاب کنن و مجازاتش رو ببینن. خانم محمدی کاش حداقل شعور داشتی و نظرات خودت رو به اسم نظرات خانواده‌های آبان همه جا جار نمی‌زدی».

خانواده‌ی «امیرحسین کبیری»، از کشته‌شدگان آبان ۹۸ در واکنش به صحبت‌های خانم «نرگس محمدی»: «هدف این خانم از نزدیک شدن به خانواده‌های آبان نه بخاطر همدردی، که بخاطر سوء استفاده از آنها بود؛ ما تا روزی که انتقام خون امیرحسین را نگیریم یک لحظه آرامش نخواهیم داشت».

خانواده‌ی «بهمن جعفری»، از کشته‌شدگان آبان ۹۸ در واکنش به صحبت‌های «نرگس محمدی»: «اگر نمی‌توانید صدای مادران آبان باشید، حداقل سکوت کنید و با کفش کسی راه نروید...»

مادر «رضا معظمی» از کشته‌شدگان آبان ۹۸ خطاب به «نرگس محمدی»: «ما نیازی به نماینده نداریم، خودمان هستیم و دادخواه خون فرزندانمان می‌مانیم؛ تا زمانی که قاتل رضا زنده است، آرام نخواهیم گرفت». نقل از صفحه تویتر «۱۵۰۰ تصویر»

خانم «نرگس محمدی» حق ندارد از زبان خانواده شهدای آبان ۹۸ در مورد بخشش، گذشت و آشتی با جلادان سخن گوید. خانواده شهدا نه می‌بخشند و نه فراموش می‌کنند و برای محاکمه این قاتلان در دادگاه خلق بی‌تابی می‌کنند. جریانات و محافل دیگری نیز هستند که از احساسات پاک این مادران در راه اهداف پلید خود سوء استفاده می‌کنند و خواهان محاکمه رژیم و قاتلان فرزندان این مادران در «دادگاه امپریالیستی لاهه یا تربیونال لندن» هستند. افراد خودفروخته‌ای نظیر «مسیح علی‌نژاد» یا «ایرج مصداقی»، محافل مجاهدین و سلطنت‌طلب از این دست هستند. باید هوشیار بود و به عناصر سازشکار و یا سرسپرده به اجانب اجازه سوء استفاده از اعتراضات مردم را نداد.

پروهای امنیتی ایران به‌زودی تظاهر کنندگان غیرمسلح که اعتراضات هیچ خطری در بر نداشته سایت عمومی‌الملل ۱۶ دسامبر ۲۰۱۹ (۲۵ آذر ۹۸)



اعتراض خانواده‌های شهدای آبانماه ۱۳۹۸ به «نرگس محمدی» که از زبان آنها سخن می‌گوید

«نرگس محمدی» در مصاحبه اخیر خود در مورد دیدار با مادران داغ‌دیده آبانماه ۱۳۹۸، که فرزندان خود را از دست دادند، سخن گفت و از عدم انتقام «از جلادان و قاتلان فرزندان این خانواده‌ها» از زبان آنها طرح نمود که این امر موجب اعتراض خانواده شهدا گردید. در این رابطه مادر «پژمان» از کشته‌شدگان ۹۸ چنین می‌گوید:

«ما راهمان، راه بچه‌هایمان است. همه جا فریاد زدیم، من، مادر جاوید نام پژمان قلیپور، تنها چیزی که آرامم می‌کند انتقام است و قلب کسی که قلب بچه‌ام را نشانه گرفت!»

برادر «برهان منصورنیا» از دیگر کشته‌شدگان آبان ۹۸ در پیامی به ۱۵۰۰ تصویر:

«این صحبت‌ها را تأیید نمی‌کنیم و اصلی‌ترین خواسته‌های ما انتقام و دادخواهی‌ست».

همچنین خانواده‌ی «داستان‌خواه» و «سرتیپی» که فرزندان‌شان را در اعتراضات آبان از دست دادند، از عدم تأیید این صحبت‌ها نوشتند.

خانواده «وحید دامور» از دیگر کشته‌شدگان آبان ۹۸ در ادامه واکنش‌ها به خانم «نرگس محمدی»: «ایشان به هیچ‌وجه

می‌توانند آنها را به سکوت و انفعال وادارند. بر این اساس است که تبعید زندانیان سیاسی به زندان‌های دور از محل سکونت و زندان‌هایی با جرایمی چون مواد مخدر و قتل و سرقت و... را توأم با آزار و اذیت در حین انتقال در دستور قرار داده‌اند.

بدیهی است چنین اقداماتی بیش از آنکه حتی ذره‌ای موجب عقب‌نشینی ما زندانیان سیاسی در دفاع از حقوق انسانی‌مان بشود، بیانگر ترس و وحشت حکومت از فریاد عدالت‌خواهی ما و نتیجه بن‌بست لاعلاج سیاسی و اقتصادی و اجتماعی است که خود در آن گرفتار آمده‌اند.

به طور قطع همان‌طور که تاکنون بکارگیری سیاست‌های سرکوبگرانه توسط حکومت راه به جایی نبرده است، اینبار نیز این سیاست‌ها راه به جایی نخواهد برد و پیشاپیش محکوم به شکست است.

- «مطلب احمدیان»
- «محمد بن‌زاده امیرخیزی»
- «افشین بایمانی»
- «آرش رضایی»
- «آرش صادقی»
- «حسن صادقی»
- «جعفر عظیم‌زاده»
- «سهیل عربی»
- «ابوالقاسم فولادوند»
- «نصرالله لشنی»
- «بهنام موسیوند»
- «رضا محمدحسینی»
- «سعید ماسوری»
- «علی موسی‌نژاد فرکوش»
- «فرهاد میثمی»
- «محمد علی منصوری»
- «مهدی مسکین نواز»
- «آرش نصری»

شنبه ۱ فروردین ۱۴۰۰ / زندان رجایی شهر کرج
برای آزادی فوری و بی‌قید و شرط زندانیان سیاسی بکوشیم و صدایشان باشیم!



متن «نامه زندانیان سیاسی زندان رجایی شهر کرج» پیرامون تشدید آزار و اذیت زندانیان

سیاسی

«طی ماه‌های گذشته برغم ادعاهای عالی‌ترین مقامات قضایی جمهوری اسلامی پیرامون رعایت حقوق زندانیان سیاسی، چیزی که عملاً و هر روزه در حال رخ دادن است، نه ذره‌ای بهبود شرایط زندانیان، بلکه تشدید سرکوب و ضدانسانی‌تر کردن بیش از پیش شرایط آنان بوده است تا با بالا بردن هزینه زندان، مردم به جان آمده ایران و کنشگران سیاسی در سطح جامعه را مرعوب و مقهور سیاست‌های سرکوب‌گرانه سازند.

انتقال به سلول انفرادی، توهین و تحقیر، ضرب و شتم، تشکیل پرونده‌های جدید و صدور احکام تازه و تبعید به زندان‌های دور از محل سکونت و از جمله روش‌های اعمال فشار بر زندانیان و آزار و اذیت خانواده‌هایشان است که در ماه‌های اخیر شدیدتر و گسترده‌تر شده است. نهادهای امنیتی و قضات وابسته به این نهادها آشکارا دریافته‌اند که زندان نه تنها مانع و بازدارنده مبارزات حق‌طلبانه زندانیان سیاسی نشده، که خود به محل و مجالی برای تداوم مبارزات و مقاومت آنان تبدیل شده و از پشت دیوارهای بلندش، هر بار صدای حق‌خواهی زندانیان و افتادن تشت رسوایی حاکمیت استبداد، بلندتر و رساتر به گوش ایرانیان و جهانیان می‌رسد.

آنان به خیال باطل گمان می‌برند با تشدید آزار سیستماتیک زندانیان و خانواده‌های آنان و تضییع هر چه خشن‌تر حقوق‌شان

قطعنامه همبستگی با مبارزه

خلق فلسطین برای رهایی ملی

قطعنامه حمایت از مبارزه خلق فلسطین برای رهایی در گردهم آئی سالانه احزاب برادر، که در «کنفرانس بین‌المللی احزاب و سازمان‌های مارکسیست - لنینیست» در ۲۱ فوریه ۲۱ به تصویب رسید، این قطعنامه را که در سراسر جهان به زبان‌های انگلیسی، فرانسه، آلمانی، اسپانیایی، ایتالیایی، پرتغالی، نروژی، دانمارکی، آلبانیایی، صرب و کرواسی، عربی، هندی، پاکستانی و فارسی منتشر و توزیع شده است، در اختیار همگان قرار می‌دهیم:

یکم اینکه خلق شجاع فلسطین بیش از ۷۰ سال است که علیه متجاوزین صهیونیست جنگیده، ده‌ها هزار قربانی داده و به نبردش علی‌رغم فراز و فرودهای مختلف برای کسب استقلال ملی ادامه می‌دهد.

دوم اینکه این مبارزه بر علیه این یا آن دولت اشغالگر نیست، بلکه بر علیه خود مسئله اشغال است. رژیم صهیونیستی یعنی اشغالگری، یعنی تاراندن میلیون‌ها فلسطینی از سرزمین مادری‌شان و جایگزین کردن آن با چندین میلیون مهاجر و مستعمره‌نشین یهودی از کشورهای دیگر. صهیونیست‌ها یک رژیم آپارتاید بر میلیون‌ها فلسطینی، که سرزمین‌شان با زور اشغال شده است، تحمیل کرده‌اند. صهیونیسم اسرائیل مترادف است با نژادپرستی، جنایات جنگی، جنایت علیه بشریت، و زندانی و قتل کودکان فلسطینی. صهیونیسم یعنی تولید شرایط فقر و مسکنت و ناامیدی، یعنی گرفتن جان و سرزمین از فلسطینیان و دزدیدن آینده کودکان‌شان. صهیونیسم همچنین به معنای تجاوز نظامی به مصر، اردن، سوریه و لبنان است. صهیونیست‌های اسرائیلی چندین پایگاه نظامی در خاک آذربایجان ایجاد کرده‌اند، بلندی‌های جولان را اشغال نموده و چند صد کلاهک اتمی در زرادخانه خود انباشت کرده‌اند.

سوم اینکه مبارزه نیروهای کمونیست و دمکرات برای نابودی صهیونیسم اسرائیلی به معنی نفی رژیم غیرقانونی کشور اسرائیل و پایان دادن به اشغال و سیاست آپارتاید است. این امر مربوط می‌شود به همه نیروهای دمکرات صلح‌دوست و طرفدار عدالت، منجمله یهودیان ضد صهیونیست، که بخاطر حمایت از مبارزه مشروع فلسطینی‌ها تحت تعقیب کشور اسرائیل هستند. سرزمین فلسطین سرزمین مشترک مردم بومی فلسطین یعنی یهودیان، مسیحیان و مسلمانان و سایر ادیان آن منطقه است. مبارزه با یهودی‌ستیزی بدون مبارزه با صهیونیسم، که امروز مهم‌ترین منبع سازمان‌یافته یهودی‌ستیزی در جهان است، ممکن نیست. صهیونیست‌ها تلاش دارند برای تغییر جهت توجه جهانیان به نسل‌کشی سیستماتیک فلسطینیان، تاریخ را تحریف کرده و آنرا جعل نمایند.

چهارم اینکه حتی منشور سازمان ملل متحد تمام اشکال مبارزه از جمله مبارزه مسلحانه برای خلق‌های تحت استعمار را مجاز می‌داند. مبارزه خلق فلسطین برای رهایی سرزمینش مشروع است و صلح با متجاوزین بازی با دم عقب است. فقط مردم شجاع فلسطین، نه امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها و رهبران مرتجع اعراب، حق تصمیم‌گیری برای سرنوشت خود را دارند.

ما سرکوب و نسل‌کشی ملت فلسطین را به شدت محکوم کرده و از مقاومت خلق فلسطین علیه صهیونیست‌ها و اربابان امپریالیست‌اش عمیقاً حمایت می‌کنیم.

ما همچنین از پیکار تمام نیروها، که در جبهه‌های مختلف علیه دشمن مشترک و بیرون‌ریختن متجاوزین می‌رزمند، حمایت می‌کنیم. این حمایت صوری و ظاهری نیست، بلکه تأیید حق مسلم فلسطینیان برای رهایی از سلطه صهیونیسم در منطقه و برسمیت شناختن حق آنها برای رهایی ملی است. یهودیان فلسطینی در کنار مسلمانان و عیسویان فلسطین حق دارند که کشور دمکراتیک و سکولار فلسطین را برپا کنند و از آن دفاع نمایند، تا صلح و آسایش در منطقه جاری شود و بتوان به تشنج بیش از نیم قرن اشغال غیرقانونی و سلطه نکت‌بار و غیراخلاقی اسرائیل در منطقه پایان داد.

زنده باد همبستگی با مبارزات خلق فلسطین!

نابود باد اشغال صهیونیستی سرزمین‌های عرب!

کنفرانس بین‌المللی احزاب و سازمان‌های مارکسیست - لنینیست
فوریه ۲۰۲۱

لیست احزاب برادر متشکل در کنفرانس بین‌المللی احزاب و سازمان‌های مارکسیست - لنینیست:

- «حزب کارگران تونس»
- «حزب کار ترکیه - (امپ)»
- «حزب کمونیست کارگران دانمارک»
- «حزب کمونیست کارگران فرانسه»
- «تشکیلات برای بازسازی حزب کمونیست کارگران آلمان»
- «پلاتفرم کمونیستی نروژ»
- «تشکیلات برای احیای حزب کمونیست یونان»
- «حزب کمونیست پرولتاریای ایتالیا - پلاتفرم کمونیستی»
- «حزب کمونیست اسپانیا (مارکسیست - لنینیست)»
- «حزب کمونیست کار دومینیکن»
- «حزب کمونیست مکزیک (مارکسیست - لنینیست)»
- «حزب کمونیست کلمبیا (مارکسیست - لنینیست)»
- «حزب کمونیست انقلابی ولتا (بورکینو فاسو)»
- «حزب کمونیست انقلابی شیلی»
- «حزب کار ایران (توفان)»
- «حزب کمونیست اکوادور (مارکسیست - لنینیست)»
- «حزب کمونیست انقلابی برزیل»
- «حزب کمونیست ونزوئلا (مارکسیست - لنینیست)»
- «حزب کمونیست بنین»
- «حزب کمونیست آلبانی»
- «حزب کمونیست توگو»
- «حزب کار آمریکا»
- «جبهه کارگران پاکستان»
- «راه دمکراتیک مراکش»
- «حزب کمونیست انقلابی ساحل عاج»
- «حزب کمونیست پرو (مارکسیست - لنینیست)»
- «سازمان دمکراسی انقلابی هندوستان»
- «حزب کمونیست بنگلادش»
- «اتحاد انقلابی کار صربستان»

در جهت دریافت متن قطعنامه لطفاً به [اینجا](#) رجوع کنید
ترجمه و تکثیر از حزب کار ایران (توفان) •

چند یادداشت کوتاه سیاسی!

اخراج بیش از ۸۰ کارگر صنایع فولادی خوزستان در آخرین روز سال ۹۹

در آخرین روز سال ۱۳۹۹ بیش از ۸۰ تن از کارگران صنایع فولادی خوزستان از کار اخراج شدند. به نقل از کارگران صنایع فولاد خوزستان، کارگران مذکور در بخش‌های مختلف شرکت فعالیت داشتند که همگی اخراج شده‌اند. بر پایه اظهارات کارگران ۵۰ تن از کارگران اخراج شده ساکن مناطق حاشیه‌ای اهواز بودند. نام شرکتی که کارگران را اخراج کرده است، اما فاش نشده است. در استان خوزستان و در اهواز «شرکت فولاد اهواز» و «گروه ملی صنعتی فولاد ایران» به عنوان دو شرکت بزرگ فولادی فعالیت دارند. «گروه ملی صنعتی فولاد» در سال‌های گذشته محل بروز اعتراض‌های گسترده کارگران به خصوصی‌سازی، توقف خط تولید و پرداخت نشدن مطالبات مزدی کارگران بوده است. این شرکت، که به «گروه امیر منصور آریا» فروخته شده بود، پس از دستگیری و اعدام او به قوه قضاییه و سپس بانک ملی واگذار شد. کارگران این کارخانه می‌گویند مافیای فولاد مانع رفع موانع و افزایش تولید شده است.

کارگران اخراجی پتروشیمی ایلام مقابل استانداری سفره خالی پهن کردند

گروهی از کارگران پیمانی پتروشیمی ایلام، که اسفند ماه سال ۱۳۹۹ اخراج شدند، روز یکشنبه اول فروردین مقابل ساختمان استانداری سفره خالی پهن کردند و خواستار رسیدگی مسئولان استان به وضعیت خود شدند.

کارگران اخراجی که بیش از ۷ سال سابقه کار دارند، گفته‌اند شرکت برای بهره‌برداری از واحد «الفین پتروشیمی ایلام» کارگران تازه‌ای را به کار گرفته و کارگران بومی را اخراج کرده است. در پی شکایت کارگران به «اداره کار ایلام»، شرکت پتروشیمی کارگران اخراجی را برای مدت کوتاهی با قرارداد اقماری به کار گرفت و در آستانه سال نو کارگران را بیکار کرد. در واکنش به تجمع کارگران مقابل استانداری، روابط عمومی استانداری ایلام ضمن تأکید بر اینکه الویت در استخدام در شرکت‌های نفت و گاز با نیروهای بومی است، اعلام کرد استانداری در این زمینه مسئولیتی ندارد و کارگران را به «نهادهای مربوطه» ارجاع داد.

چاره کارگران وحدت و تشکیلات است!

دست سرمایه‌داران از کارگران کوتاه باد!

بیانیه مشترک ۹ حزب و سازمان سیاسی در محکومیت عملیات رو به رشد عادی‌سازی روابط با

اسرائیل در تونس

برای مدتی است که تونس شاهد موج رو به رشد عادی‌سازی روابط با اسرائیل بوده است که با نفوذ صهیونیسم در سطح فرهنگی، دانشگاهی و اقتصادی همزمان شده است. کشف رسوایی رابطه با رئیس «خانه رمان»، یک نهاد متعلق به وزارت فرهنگ تونس، بزرگی این موفقیت بزرگ دشمن صهیونیست را برای بسیاری از محافل و نهادهای رسمی و مدنی در تونس نشان داد. در مقابل شدیدتر شدن این موج عادی‌سازی و با افزایش بحران سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در تونس، ما تأکید می‌کنیم:

۱. که ما همه جنایات عادی‌سازی مرتکب شده را رد و محکوم می‌کنیم. روابط عادی‌سازی نقض امنیت ملی کشور ماست و باید با آن مقابله کرد و عاملان آنرا به پاسخ‌گویی وا داشت. ما خواستار انزوای رئیس «خانه رمان» و محاکمه او، به مثابه درسی برای همه افراد درگیر در حوزه‌های مختلف می‌باشیم.

۲. که سقوط اقتصادی تونس ناشی از عوامل امپریالیسم، صهیونیسم و واکنش اخوان المسلمین و نخبگان استعمارگر با از بین بردن تمام سیستم‌های تولید در تونس و بستن نهادهای ملی به طوری که مافیای نیابتی، تمام منابع مردم تونس را به بعد، از نتایج آن خواهد بود. روند عادی‌سازی اخذی از مردم تونس به خاطر وضعیت اقتصادی آنهاست و همچنین تخریب زندگی سیاسی، تحقیر همه ارزش‌های عالی و بازکردن راه برای گروه‌های پوپولیست و فاشیست و عوامل محورهای ارتجاعی برای کنترل صحنه سیاسی به همراه خواهد داشت.

۳. که فراهخوان نیروهای ملی در تونس برای نفی عادی‌سازی و قبول ضرورت ایجاد یک چارچوب ملی فراگیر برای مقابله با تلاش برای به زانو درآوردن کشور ما و مجبور کردن آن به خیانت به تاریخ و ثبات ملی خود در مقابل سکوت و همدستی نظام فعلی.

امضاها:

«روند مردمی»

«اتحادیه نیروهای جوان»

«حرکت تونس به جلو»

«حزب میهن پرست سوسیالیست»

«حزب کارگران تونس»

«حزب قطب»

«اتحادیه عمومی دانشجویان تونس»

«اتحادیه فارغ التحصیلان بیکار»

«کمیته ملی مبارزان چپ»

تونس در ۹ مارس ۲۰۲۱

ایندپندنت: آمریکا و متحدانش روزانه ۴۶ بمب و موشک به کشورها پرتاب کردند

طبق تحقیق گروه‌های ضدجنگ موسوم به «مدیا بنیامین» و «نیکولاس جی دیویس»، ایالات متحده و متحدانش از سال ۲۰۰۱ حداقل ۳۲۶ هزار بمب و موشک به کشورهای دیگر شلیک کردند که از این میان بیش از ۱۵۲ هزار بمب در عراق و سوریه پرتاب شده است. این تحقیقات، که برگرفته از آمار رسمی ارتش ایالات متحده و همچنین داده‌های دفتر تحقیقاتی روزنامه‌نگاری، پروژه داده‌های یمن و بنیاد آمریکایست به تازگی منتشر شده است. امپریالیسم فقط به معنای تصاحب قلمرو ارضی کشورها نیست، بلکه به نحو گسترده‌تری با کسب کنترل سیاسی و اقتصادی بر مردم و اراضی، خواه با گسترش میلیتاریسم و جنگ‌افروزی و خواه با ابزارهای زیرکانه‌تر نواستعماری مرتبط است. موضوع امپریالیسم سیاست و شیوه‌های دولتی است که غالباً با ابزارهای اقتصادی، قدرت و سلطه خود را گسترش می‌دهد و سرانجام الحاق سیاسی و قدرت نظامی متضمن این سرگردگی است. در شرایط کنونی آمریکا خطرناک‌ترین دشمن بشریت است و برای تضمین سرکردگی خود سودای جنگ و آشوب در منطقه و جهان در سر دارد.

جامعه کوتاه مدت دیگر چه صیغه است؟

بطور خلاصه و موجز:

روستایی بجای کشاورزی و دامداری و کاری که توش مهارت داره، دام و زمینش می‌فروشه می‌زنه تو کارهایی که مهارت و تخصصی نداره اونم سرمایه‌گذاری مستقیم تو بورس!!!

اکثر کارمندان دولت تو ادارات مشغول خرید و فروش سهام، ارز، خودرو، بیت کوین، مسکن و بیزینس‌های مختلف هستند.

از پزشک و وکیل و مهندس تا آخوند روضه خوان و... در کنار بورسبازی و خرید و فروش ارز و طلا و بیت کوین و ارزهای دیجیتال... همزمان تو کار بیزینس مسکن هم هستند. در شمال و چند هکتار زمین می‌خرن بعد تو قطعات هزار متری - دو هزار متری تفکیک می‌کنند باغ ویلایی درست می‌کنند به مردم می‌فروشند.

اکثراً دنبال این تفکرند در کم‌ترین زمان پولدار بشوند و چمدان‌ها را ببندند ازین مملکت بروند. به قول ظریفی جامعه‌ای کوتاه مدت که هیچ دید بلندمدتی در کسب و کار و... وجود نداره

جامعه‌ای که آینده روشن و باثباتی برای خودش متصور نیست و هر جا بیزینسی میبینه، همه به اون سمت هجوم میارن

در جامعه کوتاه مدت، فعالیت صنعتی و دیربازده که نیازمند

سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و درگیر شدن با ساختارهای ناکارآمد دولتی و اجتماعی است، بی‌معنی و حماقت تلقی می‌شود و به جای آن دلالتی و واسطه‌گری که به سرمایه کم‌تری نیازمند است و سود بیش‌تری دارد، بهترین روش سرمایه‌گذاری محسوب می‌شود.

در جامعه‌ی کوتاه مدت، کسی که سریع‌تر بار خود را ببندد و از این آب گل‌آلود ماهی بیش‌تری بگیرد، برنده است.

در جامعه کوتاه مدت، نفع شخصی بر منافع عمومی ارجحیت دارد و می‌بایست در کم‌ترین زمان ممکن به حداکثر نفع فردی و شخصی رسید. طبیعتاً در چنین جامعه‌ای فساد و اختلاس و رانتخواری و ریاکاری، رواج پیدا می‌کند چون مهم نفع شخصی است نه مصلحت کشور

در جامعه فاسد نیز افراد سالم رشد نمی‌کنند یا به کندی و زحمت رشد می‌کنند. و افرادی سریع رشد می‌کنند که خصوصیات این جامعه را بهتر درک کرده باشند و خودشان را با آن هم‌رنگ کرده باشند. حالا این خصوصیات می‌خواهد تملق و چاپلوسی باشد یا نقاب دین به چهره‌زدن و ریش و مهر پشانی و در جامعه کوتاه مدت کسی دنبال رونق تولید و سرمایه‌گذاری بلندمدت نیست. چنین جامعه‌ای که در آن دلالتی و بورس‌بازی و رانتخواری رونق دارد، حکومت از طبقه مسلط، یعنی بورژوازی تجاری و تکنوکرات‌ها دفاع می‌کند و تمام صنعت بزرگ و کوچک را در چنگال خود به گروگان گرفته است. این باند مافیایی، دشمن تولید و برنامه‌ریزی درازمدت و عمده‌ترین سد تکامل جامعه است.

رحیم اسفندیار

زنان و مبارزه علیه تبعیض جنسی و طبقاتی

در ایران تبعیض، فقر، بی‌حقوقی و ستم بر زنان بیداد می‌کند و صدها قوانین ارتجاعی دولتی و نرم‌های نانوشته اسلامی و قرون وسطایی برجسم و روح او سنگینی و چون خوره‌ای وجودش را می‌خورد. بیان این نابرابری‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و جنستی به معنای تأیید نظریه‌های انحرافی و بیولوژیکی برای «رهایی» زن نیست. بیان این نابرابری‌های اجتماعی و ستمگرانه به معنای تأیید «مبارزه برای آزادی حجاب و چهارشنبه‌های سفید» که از وزارت امور خارجه آمریکا توسط «مسیح‌علینژاد» رهبری می‌شود، نیست. ارزش مبارزه یک زن مسلمان و محجبه کارگر، که برای دستمزد خود و همکارانش علیه رژیم سرمایه‌داری ج ا می‌رزمند و مخالف تحریم و تجاوز به ایران است، هزار بار بیش‌تر از مبارزه انتزاعی آزادی حجاب است که نوکران ریز و درشت امپریالیسم پرچم آن را برافراشته‌اند. آزادی پوشش جزئی از مبارزه کل زنان و رهائی از ستم است و نه همه آن. دغدغه زنان کارگر با دغدغه زنان قشر متوسط و

موشک سرنگون شده است. «یحیی السریع»، سخنگوی مسلح حوثی‌ها در یمن دیروز سه‌شنبه ۳ فروردین از حمله جدید حوثی‌ها به خاک عربستان سعودی خبر داد و در تویتر خود نوشت: «نیروی پهپادی ظهر امروز در یک عملیات تهاجمی «فرودگاه بین‌المللی ابها» را با یک فروند پهپاد از نوع قاصف ۲۰ مورد هدف قرار داد.» تجاوز عربستان به یمن به وقوع فاجعه انسانی دامنه‌دار در این کشور منجر شده است. ۶۶ درصد جمعیت یمن شامل ۲۰ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر، که بالغ بر ۱۱ میلیون کودک را دربرمی‌گیرد در معرض قحطی و گرسنگی قرار دارند و از هر چهار مجروح غیرنظامی یک کودک است. جنگ حوثی‌ها علیه متجاوزین سعودی، جنگی تدافعی، مشروع و عادلانه است و تا زمانی که عربستان سعودی به جنگ تجاوزکارانه و محاصره خود پایان ندهد، ادامه خواهد یافت. دست متجاوزین سعودی از یمن کوتاه باد!



آزمایشات جدید موشکی کره‌شمالی و جنجال جنگ افروزان ژاپنی آمریکایی

دولت ژاپن و مقام‌های آمریکایی تأکید کردند که کره شمالی بامداد امروز پنجشنبه عملیات شلیک دو موشک بالستیک را اجرا کرد. این موشک‌ها پس از طی مسافتی بالغ بر ۴۵۰ کیلومتر در خارج از منطقه انحصاری اقتصادی ژاپن در دریا سقوط کردند. نخست وزیر ژاپن آزمایش موشکی کره شمالی را تهدیدی علیه صلح و ثبات در ژاپن و منطقه و همچنین «ناقض قطعنامه‌های سازمان ملل متحد» خواند!!!

آزمایش‌های موشکی جدید کره شمالی در حالی است که آمریکا اخیراً یک بازرگان کره شمالی را به پولشویی و دوزدن تحریم‌های آمریکا و سازمان ملل علیه این کشور متهم کرده است. آمریکا مدام خلق کره را تهدید می‌کند، دست به تحریک و ترور روانی می‌زند، انواع و اقسام آزمایشات موشکی و کشتار جمعی و تخریبی را در کره جنوبی و ژاپن بر علیه کره شمالی انجام می‌دهد، تحریم‌های ضدبشری و غیرقانونی را ادامه می‌دهد. علی‌رغم این اما انتظار دارد حکومت مستقل کره شمالی نظاره‌گر اوضاع باشد، دست به

مرفه‌نشین جامعه شهری متفاوت است. یکی درد نان و معیشت و آزادی تشکل مستقل کارگری دارد، دیگری درد حجاب و آزادی اجتماعی! زن کارگر ایرانی زمانی می‌تواند از بند مالکیت مرد و سنت مردسالانه رها شود که قبل از هر چیز و مهم‌تر از همه چیز از قید مالکیت خصوصی بر ابزار تولید به عنوان «کالا» همچون مردان کارگر رها شود و این شیوه مناسبات اجتماعی برافتد و مالکیت اجتماعی به جایش بنشیند. فمینیسم در هر هیتی که ظاهر شود، نابرابری حقوقی را برجسته و مبارزه طبقاتی را کم‌رنگ و به تضاد جنسیت دامن می‌زند که چنین امری به معنای چوب لای چرخ مبارزه طبقاتی گذاشتن است و جز به انحراف بردن مبارزه زنان انقلابی و مترقی حاصلی نخواهد داشت. مبارزه زنان در نبرد طبقاتی، در سنگر واحد با مردان کارگر برای رهایی انسان از بند مناسبات ستمگرانه سرمایه‌داری و برای استقرار سوسیالیسم صورت می‌گیرد و این تنها راه پیروزی و الغای هرگونه ستم است و جز این نیست.

مارهای سمی هر از گاهی پوست عوض می‌کنند، اما خویشان عوض نمی‌شود!

تارنمای شبکه «ان بی سی نیوز» گزارش داد که «جو بایدن»، رئیس جمهوری آمریکا برغم توافق صورت گرفته در دولت پیشین واشنگتن برای عقب‌نشینی نیروهای آمریکایی از خاک افغانستان تا روز اول مه (۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۰)، تمدید حضور آنها تا ماه نوامبر (۱۰ آبان ۱۴۰۰) را بررسی می‌کند. «جو بایدن»، که هنوز عرقش خشک نشده است، سوریه را نیز برخلاف مشهور سازمان ملل متحد و تمام موازین بین‌المللی بمباران کرد، به تحریم‌های اقتصادی علیه ایران ادامه داد، چین و روسیه را تهدید کرد و افسارگسیخته همان سیاست جنگ‌طلبانه و زورگویانه دوره «ترامپ» را با زبانی دیگر ادامه می‌دهد! ماهیت امپریالیسم درنده آمریکا، به عنوان بزرگ‌ترین تروریسم دولتی جهان، ناقض حقوق ملل و حقوق بشر و دشمن شماره ۱ بشریت و صلح و ناامنی جهان، با آمدن و رفتن «ترامپ» و «بایدن» و غیره... تغییری نخواهد کرد. صلح و امنیت پایدار در جهان فقط با نابودی سرمایه‌داری و امپریالیسم و استقرار سوسیالیسم ممکن خواهد بود و جز این نیز نمی‌باشد!

حمله حوثی‌های یمن به عربستان ادامه دارد. شکست عربستان محتوم است!

جنبش آزادیبخش حوثی‌ها برای چندمین بار در روزهای اخیر به قوای عربستان سعودی حمله کردند و «فرودگاه بین‌المللی ابها» را هدف قرار دادند. همزمان سخنگوی نیروهای مسلح حوثی اعلام کرد که یک پهپاد آمریکایی ائتلاف سعودی نیز با

گردهم آمده‌اند و خواستار عدالت علیه اقدامات تروریستی و جنایتکارانه کودتاچیان هستند.

برای ممانعت از کودتا و خرابکاری عوامل امپریالیسم باید به توده‌ها تکیه کرد، به مطالبات‌شان پاسخ داد و در مقابل سیاست‌های نئولیبرالی و اهرم‌های اقتصادی و نواستعماری امپریالیستی، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی ایستاد و کوچک‌ترین رحمی به دشمنان قسم خورده داخلی و خارجی نکرد.

این همه هیاهو و هوچی‌گری برای چی؟

نگاهی به سند همکاری ایران و چین، که هنوز بسیاری از جزئیات آن روشن نیست، هیچ سخنی از تجزیه و فروش اراضی ایران در آن نمی‌رود، از سپردن گمرک ایران به چین سخنی نیست و ... ولی با وجود این، بخشی از مدعیان «دفاع از منافع ملی»، که هنوز این سند را نخواندند از سر درماندگی و حب و بغض به اظهار نظر می‌پردازند و از خیانت سخن می‌گویند. جالب توجه اینکه امروز سرسپردگان آشکار امپریالیسم نظیر سلطنت‌طلبان، سازمان مجاهدین و عناصر معلوم‌الحالی مانند «محسن سازگارا»، «حسن شریعتمداری»، «علیرضا نوری‌زاده» و ... این طرح را استعماری و آن روی «سکه قرارداد ترکمنچای» و بدتر از «قرارداد وثوق‌الدوله» تحلیل می‌کنند و به یکباره ژست ضداستعماری می‌گیرند!! این محافل از این ناراحت‌اند که چرا جمهوری اسلامی چنین قراردادی را و هنوز کامل‌تر از آن را با آمریکا منعقد نکرده است، زیرا با «منافع ملی» ما بهتر خوانایی دارد!!!! مطابق چنین نگاه سالوسانه‌ای قرارداد با چین بد است، ولی با آمریکا خوب است!! در این بازار هیستریک تبلیغاتی و غلوآمیز جز صدای سرسپردگی نمی‌شنوید! جز تحریف و دروغ از این هیاهو نمی‌تراود. کسی که چین را آدم‌خوار جلوه دهد، آمریکا را فرشته، نوکر صفت است، جاعل است، هدف‌اش دفاع از منافع ملی مردم ایران نیست، خوش‌رقصی برای امپریالیسم جنایتکار آمریکاست!

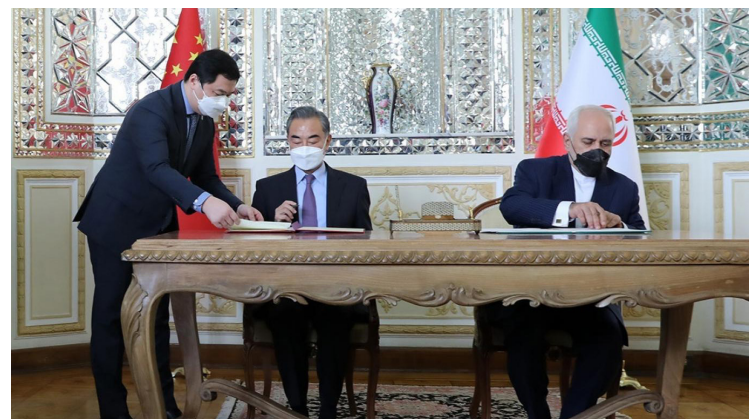
برخی از چپ‌اندروچی‌های بی‌افق هم از قافله عقب نماندند، قرارداد چین و ایران را به زیان «انقلاب ایران» و تحکیم رژیم جمهوری اسلامی تحلیل می‌کنند! توگویی رژیم شاه با آن همه حمایت امپریالیستی و بینه مالی و تسلیحاتی، آنهم بدون تحریم و فشار خارجی توانست از طغیان و انقلاب توده مردم ممانعت به عمل آورد، چه رسد به جمهوری اسلامی، که جز سرکوب آه در بساط ندارد. این محافل نه تحلیل درستی از رویزونیسم و احیای سرمایه‌داری و امپریالیسم نوخاسته چین دارند، نه تحلیل صحیحی از تشدید تضادهای امپریالیستی و درک و تاکتیک درستی از چگونگی شیوه استفاده از این تضادها در شرایطی که ما به سوی جهان چند قطبی در حال گذاریم! تاکتیک این جماعت تاکتیک نیست، تیک تاک است! این محافل را نمی‌توان جدی گرفت، آنها را باید به حال خود رها کرد!

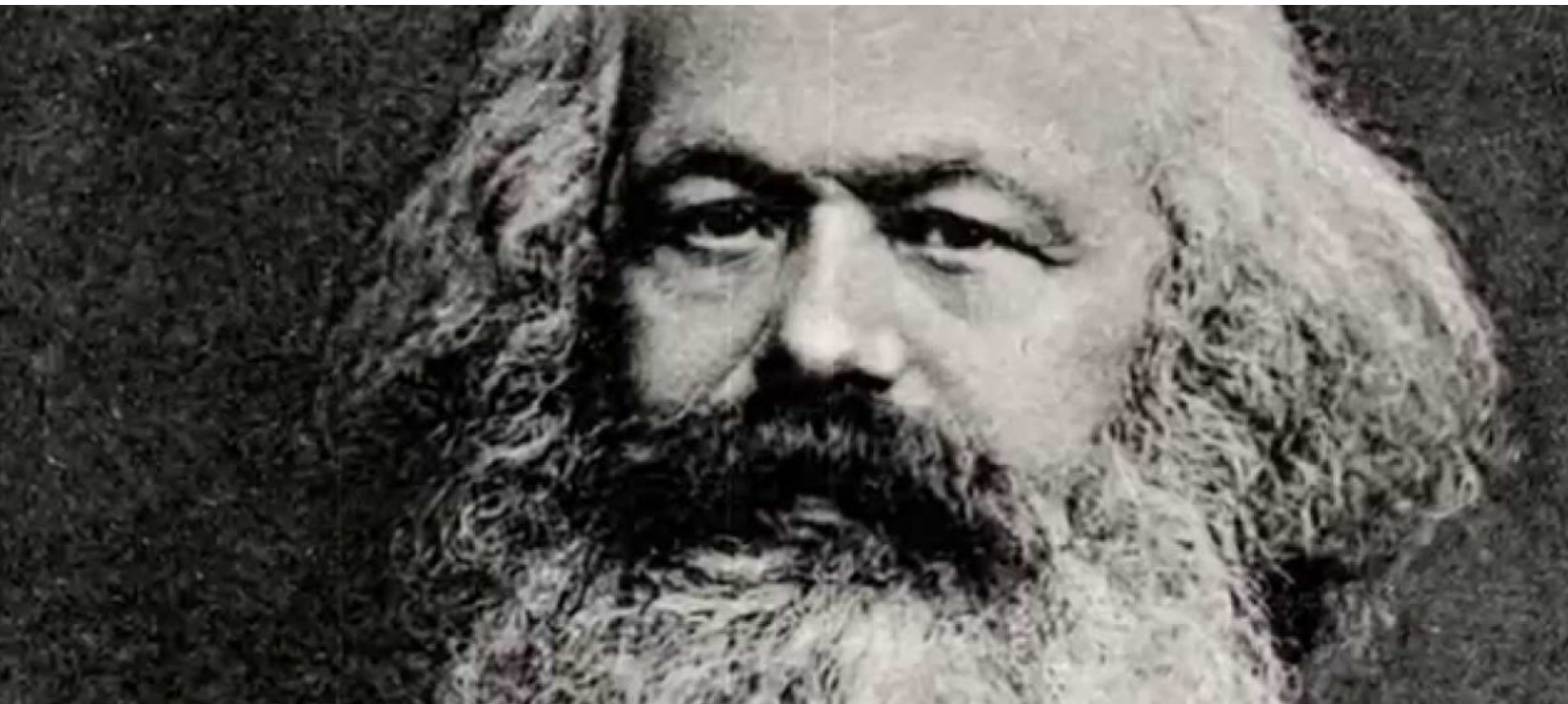
هیچ اقدام دفاعی نزنند و تسلیم شانتاژهای این ابر قدرت متجاوز و متحدین جنگ‌طلب‌اش شود. زهی بیشرمی!

رئیس‌جمهور کودتاچی بازداشت شد

«ژانین آونز»، سناتوری که پس از کودتا علیه «مورالس» در بولیوی قدرت را به دست گرفت، شنبه شب در خانه‌اش که مثل موش در جعبه‌ای خزیده بود، دستگیر شد. «آرژین» به تحریک، تروریسم و توطئه علیه رئیس‌جمهور قانونی کشور متهم است. روز دوشنبه، چهار اتهام دیگر در مورد نقض قانون اساسی مطرح شد. از جمله اینکه؛ «آرژین» بدون تصویب مجلس از صندوق بین‌المللی پول وام گرفته است. دو وزیر از دولت کودتا و یک مقام عالی‌رتبه نظامی نیز به دلیل دست داشتن در کودتا در بازداشت هستند. همچنین برای فرمانده کل سابق «ویلیامز کالیمان»، که در یک کنفرانس مطبوعاتی استعفا «مورالس» را اعلام نمود، حکم بازداشت صادر گردید.

وزرای پیشین «آرتورو موریلو» و «فرناندو لویز»، که هر دو عامل سرکوب تحت رژیم کودتا بودند، تحت تعقیب هستند. آنها پس از پیروزی جبهه «سوسیالیست ماس» در پاییز گذشته کشور را ترک کردند و در حال حاضر در آمریکا بسر می‌برند. انتخابات پیروزمند و توده‌ای سال گذشته، راست نئولیبرال عوامل خارجی بولیوی را چند شقه کرد و همه دستگیرشدگان را می‌توان متعلق به فالانژ Añez، در حال حاضر ضعیف‌ترین قسمت مخالفان دانست. دو هفته پیش، رهبر راست افراطی «فرناندو آل ماچو کاماچو» با کسب بیش از ۵۰ درصد آراء، فرمانداری پرجمعیت‌ترین اداره بولیوی، سانتا کروز را به دست آورد. «کاماچو» بیش‌ترین نیروی محرکه کودتا بود و در پشت شورش پلیس و ارتش علیه «اوو مورالس» قرار داشت. هنوز حکم بازداشتی در مورد «کاماچو» صادر نگردید. اما وی در تحقیقات ماجرای کودتا تحت نظر قرار دارد. «کاماچو» و جناح راست در سانتا کروز روز دوشنبه در اعتراض به این دستگیری تجمع کردند و خواستار آزادی کلیه دستگیرشدگان طی ۴۸ ساعت شدند. در همان زمان، اتحادیه‌ها و سازمان‌های غیردولتی برای تظاهرات روز سه‌شنبه، در حمایت از دستگیری‌ها،





ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده

افزوده می‌شوند و روند شناخت همچنان بی‌پایان ادامه می‌یابد، مطابقت شناخت با جهان مادی به درجات بالا و بالاتری ارتقاء می‌یابد بدون آنکه پایانی بر آن متصور باشد، بدون آنکه بتوان بر روند شناخت نقطه پایانی گذاشت.

«حقیقت» عینی است

در فلسفه مارکسیسم اهمیت مقوله «حقیقت» در خصلت «عینی»، در «عینیت» آن است و منظور از «عینیت» آن است که محتوای شناخت، محتوای تصدیق، مستقل از شناسنده وجود دارد.

«حقیقت عینی» دو نکته زیر را دربرمی‌گیرد:

نخست اینکه شناخت همیشه تصویر و عکس‌برداری «موضوع شناخت» است، ولی در همه حال مستقل از تصویری که در مغز انسان نقش می‌بندد، موجود است. «موضوع شناخت» می‌تواند «مادی» یا «ایده‌ای» باشد. در این تصدیق نیز که «آموزش داروین با آموزش مذهبی در تضاد است» حقیقت است یا ارتباطی در سطح «ایده‌ای» برقرار شده که واقعاً موجود است و این ارتباط تضاد میان دو آموزش: آموزش داروین و آموزش دینی است. خصلت عینی حقیقت در هر دو حال این است که موضوع شناخت صرف‌نظر از اینکه ما آن را بشناسیم یا نشناسیم، بخواهیم یا نخواهیم واقعیت دارد.

دوم اینکه «حقیقت» مستقل از آن است که کدام شناسنده‌ای بدان دست یافته است، مستقل از آنکه آیا این شناخت در انطباق با خواست و اراده او است، یا نه، مستقل از آنکه صحت شناخت مورد قبول واقع شده است یا نه. به عبارت دیگر حقیقت به انسان به زمان و مکان و نظام اجتماعی وابسته نیست.

بنابر درخواست مکرر خوانندگان محترم «توفان الکترونیکی» بر آن شدیم تا مفاهیم و مبانی فلسفه مارکسیسم را با زبانی ساده و قابل فهم برای عموم توضیح بدهیم. از اینرو هیأت تحریریه نشریه «توفان الکترونیکی» ستونی برای این امر اختصاص می‌دهد، تحت عنوان «ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده». با امید به اینکه بتوانیم از این طریق به نیاز خوانندگان این نشریه پاسخ داده باشیم.

حقیقت مطلق چیست؟

حقیقت مطلق بالاترین درجه مطابقت شناخت با واقعیت عینی است و در نتیجه شناخت، دیگر از این مرز فراتر نمی‌رود. حقیقت مطلق شناخت جهان مادی است از لحاظ کمی و کیفی آنچنان که دیگر چیزی برای شناخت باقی نمی‌ماند و با گذشت زمان و جریان بعدی تکامل، ممکن نیست چیزی بر آن افزود یا از آن کاست و یا آن را مورد تردید قرار داد. حقیقت مطلق با زمان و پیشرفت علم تغییر نمی‌پذیرد. حقیقت مطلق به این علت که روند شناخت پایان‌ناپذیر است، فقط راستای حرکت شناخت را در جریان تاریخ بشریت (گذشته، حال و آینده) نشان می‌دهد. در این راستا همواره حقیقت‌های جزئی تازه‌ای بر حقیقت‌هایی که در این یا آن لحظه تاریخی حاصل آمده‌اند،

facebook

TOUFAN.HEZBEKAR

می‌گردد. او در مازندران زادگاه خود، از سال ۱۹۲۳ شروع به خرید املاک کرد. پادشاه جدید ایران بیش از اسلافش مطابق با زمان رفتار می‌کند. موسسات امتیازی و بانک‌ها، جمع کردن املاک مازندران، مالکیت تمامی زمین‌های دارای مواد معدنی در تهران همگی یعنی «رضاشاه» پس از چنین تغییر جهتی، به دنبال تکیه‌گاه بین اشرافیت ارضی و قشر فوقانی روحانیت که با او ساخته بودند، می‌گردد. بورژوازی کمپرادور هم به این جمع پیوسته تا تکیه‌گاه مطمئن واحدی برای امپریالیسم خارجی باشند. این حقایق را در مقابل گفتارهای غیرواقعی و جعلی و تبلیغاتی رسانه امپریالیستی و سلطنت‌طلبی نظیر «من و تو»، «ایران اینترنشنال» و ده‌ها رسانه‌های مشکوک و مزدبگیر قرار دهید تا متوجه شوید چگونه دشمنان مردم به قلب تاریخ ایران مشغول‌اند و دیو را فرشته نجات جلوه می‌دهند!•

گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ

به چند پرسش

پرسش: دوستان محترم توفان، مگر شما موافق یکپارچگی و تمامیت ارضی ایران نیستید، مگر مخالف فتودالیسم نیستید؟ چرا مخالف سیاست رضاشاه هستید؟ مگر رضا شاه موافق یکپارچگی ایران نبود؟

پاسخ: دوست عزیز، ما معتقد نیستیم که «رضا شاه» کسی است که ایران را وحدت بخشیده و علیه فتودال‌ها جنگیده و نظم را در کشور برقرار ساخته است. هوداران رژیم سلطنت پهلوی این واقعیت را فراموش می‌کنند که «رضاخان» بیش‌تر از فتودال‌ها با «انقلاب مشروطه» جنگیده است. امپریالیسم انگلستان او را برای «برقراری صلح و آرامش» در کشور فراخوانده بود. «رضاخان» می‌بایست یک چنین آرامشی را مستقر می‌ساخت تا سرمایه‌گذاران انگلستان را که مایل به سرمایه‌گذاری‌های جدید بودند، مطمئن سازد. در کشور شاهنشاهی برای برقراری این آرامش، راهی جز تمرکز قدرت، یعنی ایجاد یک دولت مرکزی پلیسی وجود نداشت. او تمام کسانی را که مخالف یک چنین تمرکزی بود، وحشیانه و بدون ترحم سرکوب می‌کرد. بنابراین جنگ به خاطر متمرکز کردن دستگاه دولتی، جنگ علیه فتودالیسم نبود. جنگی بود برای آرامش و به اصطلاح «امنیت عمومی» و مرتفع ساختن خطر سرخ، خطر کمونیست‌ها. این همان برنامه‌ای بود که امپریالیسم انگلستان می‌خواست. «رضاخان» پس از استقرار دولت مرکزی پلیسی، انقلابیون را بدون بازپرسی و محاکمه تیرباران می‌کند، موقعیت شخص خویش را تثبیت و تدریجاً به بزرگ‌ترین مالک ایران تبدیل

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است

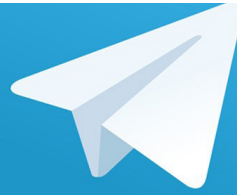
twitter

TOUFANHEZBEKAR

صورت می گیرد.

فراموش نکنید حق رأی زنان در بسیاری از ممالک اروپایی در سال‌های ۱۹۲۱ یا ۱۹۲۲ با عروج انقلاب اکبر شوروی در سال ۱۹۱۷ گره خورد و تحقق پذیرفت. زنان آگاه اروپایی مدیون انقلاب اکبر هستند. انقلاب را باید در یک مسیر تاریخی و ضرورت برچیدن موانع و حل تضادهایی مورد قضاوت قرار داد که در شرایط آرام صورت نمی‌گیرد، طوفان پاسخ‌اش است!

در ایران نیز انقلابات معاصر «مشروطه» و «بهمن» ضرورت تاریخی بودند و جامعه کهن و پوسیده طبقاتی و وابسته را به شدت تکان دادند و به بیداری جامعه منجر گشت. شکست این انقلابات نباید ما را به نفی طغیان عمومی مردم برای زیر و رو کردن جامعه سرکوب، خفقان، فقر و نکبت سوق دهد. متوقف شدن این انقلابات در نیمه راه را باید در ضعف رهبری سیاسی طبقه کارگر و حزب پیشاهنگ‌اش جستجو کرد و اکنون باید با آموزش از این شکست‌ها و تبلیغ و ترویج حزبیت و تشکل خود را برای تلاطمات آینده آماده کنیم. مشکلات و معضلات عظیم مردم ایران در چهارچوب نظام فاسد و سرکوبگر سرمایه‌داری حاکم حل نخواهد شد و رژیم کوچک‌ترین عقب‌نشینی در قبال حزب طبقه کارگر و کمونیست‌ها و نیروهای انقلابی را مجاز نمی‌داند. کمونیست‌ها مخالف خشونت و بربریت رژیم جمهوری اسلامی هستند و از قهر متشکل و سازمان‌یافته طبقه کارگر برای برون رفت از این اوضاع دفاع می‌کنند. موفق باشید!



باتوفان همراه شوید

@TOTOUFAN

پاسخ به یک پرسش در شبکه تلگرام

پرسش: چرا این همه از انقلاب حرف می‌زنید. انقلاب در زمان کنونی جز تلفات و کشتار حاصلی نخواهد داشت؟ با قهر و خشونت کاری نمی‌توان کرد. آیا راه دیگری برای تغییر جامعه نمی‌بینید؟

پاسخ: دوست عزیز، انقلاب اگر تحت رهبری صحیح گردان زحمتکشان باشد با کم‌ترین تلفات به پیروزی می‌رسد و راه رشد جامعه را در مسیر تاریخ هموار می‌سازد. انقلاب اکبر با کم‌ترین خونریزی به پیروزی رسید و جنگ جهانی اول نیز با سرنگونی سرمایه‌داری روسیه، سیستم خان‌ها و زمین‌داران و استبداد سیصد ساله تزاری پایان یافت.

اتفاقاً هدف چنین انقلاباتی برای پیش‌گیری از کشتار و خونریزی است و در مقایسه با حکومت کهن سرکوب‌اش هزار بار کم‌تراست. انقلاب با شورش خودجوش گرسنگان تفاوت دارد، اگرچه وقتی انقلاب می‌شود، نمی‌توان در برخی مواقع جلوی خشم فروخته مردم را گرفت و یا کنترل کرد، اما این انقلاب بعد از مدتی پس از برانداختن سلطه طبقه حاکمه و سرکوب مقاومت‌اش روند طبیعی‌اش را طی می‌کند. انقلاب روز جشن زحمتکشان و بی‌چیزان و عزای صاحبان زر و زور چند صد ساله طبقه و قشر کوچکی است که هرگز باورش نمی‌شود که روزی از اریکه قدرت برافتد.

باید توجه کرد هر انقلابی به نسبت خشونت و سرکوب و مقاومت حاکمیت کهن اعمال قهر می‌کند. اما انقلاب در هر حال شدنی است و می‌شود و ضرورت‌اش در مقابل طبقه حاکم یک درصدی، که بر اکثریت قاطع بی‌چیزان و سلب مالکیت‌شدگان زور اعمال می‌کند و هر ثانیه جان یک کودک را می‌گیرد، امری تاریخی و نوین است و «هیچگاه دوره‌اش قدیمی» محسوب نمی‌شود! و خارج از اراده این فرد یا آن فرد



از انتشارات حزب کار ایران (توفان)
جهت تهیه این اثر با ما تماس حاصل فرمائید



www.telegram.me/totoufan				*		کانال تلگرام حزب کار ایران (توفان)
facebook.com/hezbekar.toufan					*	فیسبوک حزب کار ایران (توفان)
twitter.com/toufanhezbkar			*			تویتر حزب کار ایران (توفان)
www.rahetoufan67.blogspot.de	*					وبلاگ توفان قاسمی
www.kanonezi.blogspot.de	*					وبلاگ ظفر سرخ
kargareagah.blogspot.de	*					وبلاگ کارگر آگاه
www.toufan.org		*				تارنمای حزب کار ایران توفان
www.toufan.de		*				تارنمای آزمایشی حزب

POSTBANK

bank code 20110022

bank account No.: 2573 3026 00

IBAN: DE70 2011 0022 2573 3026 00

P.O. BOX 1138

D64526 Mörfelden-Walldorf

E-Mail: toufan@toufan.org

Fax: 00496996580346